



هفتادمین هفته‌ی دانیال

ویلیام ماریون برانهام

جفرسونویل، ایندیانا

۶۱-۰۸۰۶

هفتادمین هفته‌ی دانیال

ویلیام ماریون برانهام

جفرسونویل، ایندیانا

۶۱-۰۸۰۶

The Seventieth Week of Daniel

William Marrion Branham

Jeffersonville, Indiana

61-0806



www.bargozidegan.net

۱- متشگرم برادر! باعث افتخار است که امروز صبح یک بار دیگر در این خیمه جمع شده‌ایم تا این پیغام عظیمی را که سعی می‌کنیم آن را توضیح دهیم، ادامه دهیم. «هفتادمین هفته‌ی دانیال». و خوشحالیم از اینکه می‌بینیم در این روز گرم عده‌ی بی‌شماری آن بیرون جمع شده‌اند و باز هم عذر خواهی می‌کنیم از اینکه فضای کافی برای نشستن در اختیار نداریم. دیدن اینکه افراد این‌گونه در این گرما، این اطراف سرپا ایستاده‌اند، ناراحت کننده است. و این که شما، آن راحتی را که باید داشته باشید ندارید، باعث می‌شود خوب متوجه نشوید، ولی ما تلاش خود را می‌کنیم تا خیلی سریع این کار را انجام دهیم.

۲- و، و امیدواریم که امروز من را بخاطر تأخیری که دارم ببخشید، زیرا وقت زانو زدن برای این پیغام است. ما به سه طریق انجام می‌دهیم تا مطمئن شویم آن را دریافت کرده‌ایم.

۲- حال، البته حاضرین می‌دانند که این پیغام‌ها بر روی نوار ضبط می‌شود و به تمام دنیا فرستاده می‌شود. عموماً تمام کشورهای جهان این نوارها را دریافت می‌کنند. تمایل دارم خطاب به کسانی که به این نوارها گوش می‌کنند بگویم، هر کجا و در هر قسمتی از دنیا که هستید، شاید چیزی اینجا و بر اساس تعالیمی که من بر پایه‌ی آن صحبت می‌کنم، وجود داشته باشد، که شما با آن موافق نباشید. ولی دوست دارم اظهار کنم که برادران!

اگر این امکان وجود داشته باشد که شما بتوانید به همان وضوحی که آن را می‌بینید توضیح دهید، شاید با چیزی که من ایمان دارم، متفاوت باشد. ولی خوشحال می‌شوم اگر چیزی برای گفتن داشته باشید، به آن گوش کنم.

۴- و من... به گمانم این پیغام‌ها را از خدا می‌آورم و در قلبم برای تہذیب کلیساست. برای تمام کلیسا، کلیسای جهان، کلیسای جهانی مسیح، و من مطمئناً ایمان دارم که در ایام آخر زندگی می‌کنیم. تلاش من برای توضیح این، تلاش برای این نیست که به هر طریق ممکن و یا به زور این را پیش ببرم، تا جایی که می‌دانم هرگز مرتکب چنین گناهی نشده‌ام.

۵- خیلی اوقات افراد به نوار گوش می‌کنند و می‌گویند: "خوب، من با آن موافق نیستم. او نمی‌داند که چه تعلیمی می‌دهد. او کتاب مقدس را نمی‌شناسد." خوب شاید همه‌ی آنها درست بگویند. می‌دانید، من نمی‌توانم بگویم که این درست نیست، ولی برای من، من، من آن را مطالعه می‌کنم، نه اینکه هر کلام را... من هرچه را که دیگران می‌گویند می‌خوانم و از آنها قدردانی می‌کنم. هر کس هر چه بگوید، من سپاسگذار آن هستم. ولی بعد آن را به حضور خدا می‌برم و با آن می‌مانم تا زمانی که بتوانم از پیدایش تا مکاشفه را توضیح دهم، و آن وقت می‌بینم که بر پایه‌ی کتاب مقدس است و بعد می‌دانم که این حقیقت است. و البته فقط یک جا هست که من از این تبرئه می‌شوم، جایی که شما درست بگویید. شاید شما درست یا غلط بگویید، آنجا جایی است که من میرا می‌شوم و یا بالعکس.

۶- ما از شما افرادی که اینجا و در بین حضار هستید و یا به این نوار گوش می‌کنید بسیار سپاسگذاری می‌نماییم. و ما... هر کاری که انجام شده، بخاطر ملکوت خداست. دوستان زیادی در سرتاسر دنیا دارم که قدردان آنها هستم و ایمان دارم که یک ابدیت را با آنها سپری خواهیم کرد. نمی‌تواند در قلب من این باشد که بخوام آن جماعت را به

هر طریقی فریب دهم، بلکه تلاش می‌کنم به هر طریقی که می‌توانم به آنها کمک کنم. احساس سلیمان را دارم هنگامی که دعا می‌کرد خدا به او حکمت بدهد تا بتواند قوم خدا را هدایت کند. این دعای خالصانه‌ی من است.

۸- همکاران من در اینجا... برادر مرسییر،^۱ برادر روی بُردرز،^۲ برادر نویل،^۳ پسر بیلی پول،^۴ جنی^۵ و سایر برادران را می‌بینم. از تمام این افراد که برای کمک به من آمده‌اند، قدردانی می‌کنیم.

یادم می‌آید که مدتی پیش در اینجا برادر لئو^۶ رویایی داشت. یک شب وقتی اولین بار همدیگر را ملاقات کردیم، به من گفت که در رویا یک هرم را در آسمان دیده است و من آن بالا و در حال موعظه بوده‌ام. او به آن بالا صعود کرد تا ببیند جریان از چه قرار است. او می‌گفت هنگامی که به آن بالا رسیده، یک نور نقره‌ای رنگ، شبیه یک صفحه‌ی گرد را دیده است که من روی آن ایستاده و برای قوم خدا موعظه کرده‌ام. او توجه مرا به خود جلب کرد و من به او نگاه کردم و او گفته است: "تو چطور توانستی به آنجا برسی؟ من چگونه به اینجا رسیده‌ام؟"

من گفته‌ام: "لئو! هیچ کس نمی‌تواند به اینجا بیاید. خدا باید انسان را به اینجا بیاورد. حال، تو قرار نیست به این بالا بیایی، بلکه باید به پایین بروی و بعد از دیدن این، برای قوم شهادت بدهی که این حقیقت است." و لئو به پایین برمی‌گردد تا برای قوم شهادت دهد. برادر لئو! این چند وقت پیش بوده است؟ چند سال قبل، درست است؟ چند سال، تا جایی که من می‌دانم، از آن زمان او صادقانه این کار را انجام داده است. یعنی شهادت

Mercier^۱
Roy Borders^۲
Neville^۳
Billy Paul^۴
Gene^۵
Leo^۶

برای قوم، که این خدمت از جانب خدا است. حال، و من، من نمی‌خواهم که این از جانب من باشد. اگر از جانب من باشد هیچ سودی ندارد، زیرا در انسان هیچ نیکویی نیست. می‌بینید؟ این باید از جانب خدا باشد.

۱۲- حال، ما به اطراف نگاه می‌کنیم... و دیروز بعد از ظهر با دوست خودم، برادرِ وست^۷ را دست‌گذاری کردم. من تا به حال او را برای بنای کلیسا کشف نکرده بودم، اما اکنون کرده‌ام. امروز صبح این کار را کردم. شما، شما می‌دانید مردم از چه فاصله‌ای به اینجا می‌آیند؟ از مرکز و اطراف آلاباما،^۸ یعنی تمام یکشنبه را در راه اینجا هستند.

هفته‌ی پیش برادر ولش ایوانز^۹ را ندیدم. یک نفر گفت که او امروز اینجا بوده است. گروه آنها از تیفتون^{۱۰} و جورجیا^{۱۱} به اینجا می‌آیند. برادری که اینجا نشسته، همکار اوست. تعداد زیادی... برادر پالمر^{۱۲} از ماکون^{۱۳} در جورجیا و به گمانم خواهر آنگرن^{۱۴} و بقیه‌ی آنها را هم اینجا می‌بینم. همه‌ی آنها اهل ممفیس، تِنسی^{۱۵} هستند. حال فکرش را بکنید... و دیگران از جاهای دیگر، اخیراً خانمی را در اینجا ملاقات کردم که اهل کارولینای جنوبی^{۱۶} بود.

۱۴- حال فکرش را بکنید این افراد از شیکاگو^{۱۷} و جاهای مختلف صدها و صدها مایل رانندگی می‌کنند، تا فقط به جلسه برسند. آن وقت هنگامی که به اینجا می‌رسند هیچ فضایی برای نشستن یا اتاقی که سیستم تهویه مطبوع داشته باشد، وجود ندارد و باید در

West^۷
Alabama^۸
Welch Evans^۹
Tifton^{۱۰}
Georgia^{۱۱}
Palmer^{۱۲}
Macon^{۱۳}
Angren^{۱۴}
Tennessee, Memphis^{۱۵}
South Carolina^{۱۶}
Chicago^{۱۷}

این ساختمان قدیمی و گرم، سخت عرق بریزند. از شکم فرزندانشان می‌زنند تا به اینجا بیایند و به پیغام گوش کنند. می‌خواهید بگویند در ورای این همه صداقت و متانت، جایی که یکی از این روزها قرار باشد آنها به آنجا بروند، وجود ندارد؟ مطمئناً هست. این قطعی است. این افراد کسانی هستند که ده-یک پرداخت می‌کنند. نه تنها به اینجا می‌آیند بلکه ده-یک‌ها و هدایای خود را نیز به خانه‌ی خداوند می‌آورند و تلاش می‌کنند آنچه را که صحیح است انجام دهند خدا واقعاً به قومی این چنین وفادار برکت بدهد. فیض و رحمت خداوند با ایشان باشد.

۱۵- دوست عزیزم چارلی کاکس^{۱۸} و اهالی کنتاکی جنوبی^{۱۹} را در اینجا می‌بینم. و هر جا که شما نظر می‌کنید، افرادی از جاهای مختلف را می‌بینید.

این مرد جوان که اینجا نشسته، اسمش را نمی‌توانم به یاد بیاورم او را در شیکاگو ملاقات کردم. ولی، ولی، شما از یک مدرسه‌ی کتاب‌مقدس، از یک جای دور به اینجا می‌آیید، این‌طور نیست؟ مدرسه‌ی کتاب‌مقدس جماعت ربانی در اسپرینگفیلد، میسوری.^{۲۰} بله، درست است. می‌بینید، آنها از هر جایی به این کلیسای کوچک می‌آیند.

فقط فکرش را بکنید، حدوداً سی سال پیش که سنگ‌های این ساختمان را گذاشتیم، آن روز صبح، من آنجا در خیابان هفتم، یک بلوک آن طرف‌تر ایستاده بودم. من حتی هنوز ازدواج هم نکرده بودم، فقط یک مرد جوان بودم. و یک رویا دیدم از مردمی که اینجا از هر جایی جمع شده بودند و بسیار شلوغ بود. بسیار خوشحال بودم و پشت منبر ایستاده بودم. این هنگامی است که او به من گفت: "ولی این خیمه‌ی تو نیست." او من را به بیرون زیر آسمان برد و شما بقیه‌ی داستان را می‌دانید... که آنجا برگی از کتاب‌مقدس بر سنگ زاویه قرار داده شده و نوشته شده است.

Charlie Cox^{۱۸}
Southern Kentucky^{۱۹}
Springfield, Missouri^{۲۰}

۱۸- بسیار برای شما شکرگذار هستم. این خیلی، خیلی کم است که فقط بگویم: "خوب، شکرگذار شما هستم." بلکه برای شما دعا می‌کنم. من به شما ایمان دارم. به تجربیات شما از خدا ایمان دارم. گمان نمی‌کنم کسی صدها و صدها مایل مسافت را رانندگی کند تا فقط بیاید و نشان دهد که چه لباسی پوشیده است. من، من فکر نمی‌کنم که کسی این کار را انجام دهد. نه، آنها فقط برای دیده شدن به اینجا نمی‌آیند. آنها به اینجا می‌آیند چون عمیقاً و صمیمانه به دنبال نجات جان‌هایشان هستند. دعای من این است، خدایا! کمکم کن، کمکم کن تا به نصف صداقت آنها برای خدمت به ایشان باشم، با تمام آنچه در قلبم است و نگاه من فقط به خدا باشد.

۱۹- همان‌طور که می‌بینید، پیغام امروز صبح پشت سر من روی تخته سیاه نوشته و رسم شده است. این صرفاً به این دلیل است تا به من کمک کند به درستی توضیح بدهم که می‌خواهم در مورد چه چیزی صحبت کنم و شما درک بهتری از موضوع داشته باشید.

و این «هفتادمین هفته‌ی دانیال» درسی بسیار عظیم است. تقریباً دو روز و دو شب از پایان هفته روی این کار می‌کردم تا کلماتی را بیابم که حقیقت را به درستی بیان کنم. این باید با بقیه‌ی کتاب مقدس مقایسه شود. می‌بینید؟ شما نمی‌توانید فقط یک بخش کوتاهی از کتاب مقدس را بگیرید، به یک درک برسید و بعد بگویید: "خوب این چیزی است که این می‌گوید." نمی‌تواند چنین باشد. و باید در تمام زمان‌ها همان چیز را بگویید. اگر چنین نیست آن وقت شما، شما در اشتباه هستید. و این طریقی است که من تلاش آن را تعلیم دهم.

۲۱- به هر حال نوارها، این پیغام روی نوارها ضبط می‌شود و من بیشترین منتقدین خود را از این طیف که به نوارها گوش می‌دهند، دارم. از بین برادرانم در نقاط مختلف دنیا، که به فیض خدا ایمان دارند. و من آن را به این طریق تعلیم می‌دهم که ما از پیش و پیش از بنیان عالم از پیش مقدر شده‌ایم.

برادران پنطیکاستی! می‌دانم که نظرات شما قانونی است. می‌بینید؟ و می‌دانم که این، اندکی نظرات شما را دگرگون ساخته. ولی آیا ممکن است که شما بعنوان یک برادر مسیحی به این اهمیت کافی بدهید و با کتاب مقدس خود در حضور خدا زانو بزنید و از خدا بخواهید که این را برای شما توضیح دهد؟ ممکن است این کار را بکنید؟ ممکن است شما به آن نظریه بچسبید و سعی کنید آن را به پیدایش تا مکاشفه بچسبانید؟

۲۳- و ذریت مار، این کشنده است. بسیاری از مردم این را باور ندارند. اما اگر فقط کتاب پیدایش را بخوانید می‌بینید که کتاب مقدس گفته که مار دارای ذریت است. "و عداوت در میان نسل زن و نسل تو می‌گذارم."^{۲۱} پس مار یک ذریت دارد. و اگر ذریت مار روحانی بود، آن وقت عیسی یک انسان نبود، پس نسل زن یک ذریت روحانی بود. هر دوی آنها دارای ذریت هستند، و عداوت همچنان وجود دارد. مار یک ذریت دارد. و اگر شما فقط کتاب مقدس خود را بردارید، زانو بزنید و واقعاً در برابر خدا فروتن باشید، ایمان دارم که خدا آن را برای شما مشکوف خواهد نمود. و اگر این را درک نکردید، در هر زمانی من حاضر هستم تا از طریق نامه، تلفن، ملاقات‌های حضوری و یا هر طریقی که بتوانم به شما کمک کنم، در خدمت شما باشم. البته همه‌ی ما می‌دانیم که این باعث نجات یا محکومیت یک انسان نمی‌شود، بلکه فقط نور را بر موضوعی که تلاش می‌کنیم مردم را وادار به دیدن آن کنیم، می‌تاباند. این تنها نور را می‌تاباند.

حال، حاضرینی که اینجا هستند، من این را صرفاً برای کسانی که به نوار گوش می‌کنند، گفتم. می‌دانید؟ این نوارها به تمام نقاط دنیا، به همه جا می‌روند.

۲۶- اکنون، بیایید چند لحظه قبل از اینکه به کاتب این کلام نزدیک شویم، سرهایمان را برای دعا خم کنیم. از بین کسانی که امروز صبح اینجا هستند، چند نفر نیازمندید؟

^{۲۱} اشاره به پیدایش باب ۳

فقط بگویید: "نیازمندم. او، ای خداوند! بر من ترخّم نما." خدا به شما برکت بدهد و به کسانی که نوار را خواهند شنید. زمانی که این را می‌شنوید، خداوند درخواست شما را عطا کند.

۲۷- پدر آسمانی ما! ما قومی شکر گذار، در عین حال ناشایست هستیم. لیکن امروز به تخت فیض تو نزدیک می‌شویم، زیرا فرمان داریم که نزدیک شویم. عیسی گفت: "هر آنچه به نام من از پدر طلب کنید، برای شما خواهم کرد."^{۲۲} ما می‌دانیم که این حقیقت است.

و اینجا در بین حاضرین، و جاهایی که این نوار می‌رود، شاید ده‌ها هزار مسیحی نوایمان این را بشنوند. و این را می‌دانیم پدر! که وقتی توگد تازه داشته باشیم، روح ما از بالا توگد یافته است. این روح خداست، روح‌القدس بر ما، و ما در یافته‌ایم که روح‌القدس تمام قوت و قدرت را داراست و می‌تواند هر آنچه را می‌خواهیم، برای ما انجام دهد. سپس ای پدر آسمانی! از تو می‌خواهیم ایمان ما را در آن روح، رها سازی که قادر باشد امروز صبح از ما محافظت کند و برای جلال نام خدا، تمام این درخواست‌های ما را عطا کند، تا از بیماری‌ها و ابتلاهایمان شفا یابیم که بتوانیم با تمام آنچه در ماست، خداوند را خدمت نماییم.

۲۹- گوش‌های ذهن ما را امروز باز کن، همان‌طور که من تلاش می‌کنم تا این سؤال عظیم را در ذهن قوم بیاورم و آن را روشن سازم... خداوند! من این را بر روی کاغذ نوشته‌ام، بر روی تخته سیاه کشیده‌ام، این نمودار، ولی در نهایت تمام اینها برای توضیح این ناکافی است. اینک، تو را می‌خوانیم، ای استاد بزرگ که این کلام را نگاهشته‌ای، آن را الهام نموده و به دانیال نبی داده‌ای! دعا می‌کنیم که تو امروز الهام خود را بفرستی و چنانکه گفתי این کتاب تا آخر ممهور خواهد بود، ذهن ما را بگشایی تا بستر قلب ما

برای پذیرش کلام تو به ایمان مهیا باشد و نور و درخت‌های عدالت را در زندگی ما به ثمر آورد. ایمان ما بر خدا! امروز صبح از ما محافظت کن. زیرا اکنون فروتنانه در انتظار هستیم، و خود را به تو تقدیم می‌نماییم، به نام عیسی مسیح. آمین!

۳۰- اکنون، امروز صبح، سپاسگذار خداوند هستیم که دوباره این فرصت عظیم را یافتیم تا این صفحات کلام ابدی خدا را دوباره باز کنیم.

حال، دلیل اینکه من خودم توضیح این را به عهده گرفته‌ام این است که... ما می‌خواهیم از کتاب مکاشفه استفاده کنیم. به تازگی «دوران کلیسا» را پشت سر گذاشته‌ایم و بعد، در پایان باب سوم کتاب مکاشفه، کلیسا از زمین گرفته شده و به جلال برده خواهد شد. و من با تمام قلبم سعی می‌کنم این را به قوم برسانم که آنها در انتظار وقوع چیزی هستند که می‌بینید در کتاب مکاشفه نوشته شده است، در حالی که در هفت دوره‌ی کلیسا به کار نرفته است. و ما بیش از آنچه تصوّرش را بکنید، به انتها نزدیک هستیم.

۳۲- چند شب قبل، بیلی یا شاید هم عروسم نیمه‌های شب با من تماس گرفتند و گفتند که مردی به نام آندی هرمان،^{۲۳} که یکی از اقوام من است، در بیمارستان بستری و رو به مرگ است. من برای ملاقات او رفتم. به او مسکن زیادی تزریق کرده بوده‌اند و به خواب رفته بود. به همین علت نتوانستم با او صحبت کنم. صبح روز بعد... از خدا خواستم او را زنده نگه دارد تا من بتوانم... او مرد خوبی است. فقط مسیحی نبود. او عمومی من نیست، فقط یک فامیل است که با یکی از اقوام من ازدواج کرده است. و بعد وقتی عمّه هتی^{۲۴} به من در حالی که آنجا ایستاده بودم گفت: "بیلی! او در تمام این هشتاد سال عمرش، به خدا خدمت نکرد." و بعد گفت: "چند هفته پیش او نشسته بود. او اکنون هشتاد سال سن دارد، البته فعالیت بدنی زیادی ندارد ولی..."

او عمّه هتی را صدا زده و گفته است: "هتی، می‌دانی چه شده؟ مسیح همین چند لحظه پیش در برابر من بود."

عمّه به او نگاه کرده و گفته است: "چه شده است؟"

او گفته است: "نه، او درست همین جا جلوی من ایستاده بود. او یک چیزی می‌گفت. عمّه گفته: "چه چیزی گفته است؟"

"دیرتر از آن است که فکرش را بکنی."

۳۳- چند هفته بعد از آن، یعنی دو یا سه هفته بعد، از پا افتاده، فلج شده و آنجا در بیمارستان در بستر مرگ بود. گفتیم: "عمّه هتی! باید با من یا کس دیگری تماس می‌گرفتید تا قلب او را برای شرایطی که اکنون در آن است، مهیا سازیم. شرمسار باشید."

صبح روز بعد از خدا خواستیم هنگامی که من... او نمی‌توانست حرف بزند و فقط من با او حرف می‌زدم، گفتیم: "عمو اندی! صدای مرا می‌شنوی؟" او می‌توانست کمی سر و چانه‌ی خود را تکان بدهد. من برای او دعا کردم. وادارش کردم تا در برابر خداوند به گناهایش اعتراف کند. می‌خواستم او را تعمیم دهم و عمه هتی می‌خواست تعمیم بگیرد.

من رفتم به پایین سالن تا خانم جوانی را که در همسایگی ما زندگی می‌کند، ملاقات کنم. آن روز او داشت به یک بیمارستان روانی منتقل می‌شد. خداوند یک کار عظیم برای او انجام داد و او به خانه آمد. سپس در طول مسیر، یک خواهر سیاه پوست را ملاقات کردم. او از من پرسید: "شما برادر برانهام نیستید؟" گفتیم: "بله، هستم."

گفت: "من را یادتان می‌آید؟ من خانم درای^{۲۵} هستم."

و من گفتیم: "به گمانم یادم می‌آید. پیت درای و سایرین. من، من شما را به خاطر دارم."

او به داخل اتاق نگاه کرد... من تعجب کردم که او چرا این را گفت. در آن زمان، عمو اندی بهوش آمده و در تخت نشسته بود. دستان و بازوان خود را مانند هر انسان دیگری حرکت می‌داد و تلاش می‌کرد، تلاش می‌کرد تا از تخت پایین بیاید و از آنجا خارج می‌شود. اکنون آنها یعنی او و همسرش می‌خواهند بیایند و به نام خداوند عیسی تعمید بگیرند.

۳۷- خوب... چیزی که این را به خاطرش گفتم این است، الان دیرتر از آن چیزی است که فکرش را بکنیم، و ایمان دارم که این «هفتاد هفته‌ی دانیال» این را در ذهن خواهد آورد.

اکنون، همان‌طور که قبلاً روی نوار گفتم، بیشتر برادران پنطیکاستی ما که با این مخالف هستند، به دنبال چیزی عظیم هستند که رخ بدهد. برادران من! اگر به دقت گوش گوش کنید، نه اینکه فقط بشنوید، متوجه می‌شوید که زمان آن اتفاق عظیم و قدرتمند، گذشته است. عیسی آماده‌ی بازگشت است.

کلیسا در باب سوّم مکاشفه زندگی می‌کند. در آنجا چیزی گفته نشده به جز، هیچ چیز به جز آخرین پیغام آور دوران. سپس ما تا زمان آمدن دوباره‌ی عروس در باب نوزدهم، با یهودیان سرو کار داریم. از باب ششم تا نوزدهم، تماماً یهودی است. اینجا جایی است که می‌خواهم در خلال این مه‌ها، برادرم خوبم برادر وود^{۲۶} را به آنجا برسانم که آن ۱۴۴۰۰۰ نفر هیچ ارتباطی با امت‌ها ندارد، او رسماً جزو شاهدان یهوه بوده است و اکنون خود و تمام خانواده‌اش امروز صبح اینجا هستند. آنها یهودی هستند. می‌بینید؟ و این امروز بدن اسرار آمیز مسیح نیست که بر زمین است، آن بدن، عروس است. ما به واسطه‌ی روح القدس در آن بدن تعمید یافته‌ایم.

۴۰- اکنون ما در کتاب دانیال می‌بینیم، جایی که آن را خوانده‌ایم... دوباره آن را می‌خوانیم، چون این کلام اوست. در باب نهم کتاب دانیال، آیه‌ی ۲۴:

"هفتاد هفته برای قوم تو و برای شهر مقدّست مقرر می‌باشد، تا تقصیرهای آنها تمام شود. گناهان آنها به انجام رسد و کفّاره به جهت عصیان کرده شود و عدالت جاودانی آورده شود و رویا و نبوّت مختم گردد و قدس الاقداس، مسح شود."

آیه‌ی ۲۵: "پس بدان و بفهم... " حال، این چیزی است که ما در مورد آن صحبت می‌کردیم و یکشنبه شب گذشته در آنجا به پایان رسیدیم، «مسح قدس الاقداس»، اینجا جایی است که امروز صبح شروع می‌کنیم، «آیه‌ی ۲۵»:

"پس بدان و بفهم که صدور فرمان به جهت تعمیر نمودن اورشلیم... " آن، شهر مقدّس من است می‌بینید؟ " تا (ظهور) مسیح رئیس، هفت هفته و شصت و دو هفته خواهد بود و (اورشلیم) با کوچه‌ها و حصار در زمان‌های تنگی تعمیر و بنا خواهد شد."

"^{۲۶} و بعد از آن شصت و دو هفته، مسیح منقطع خواهد گردید و از آن او نخواهد بود، بلکه قوم آن رئیس که می‌آید شهر و قدس را خراب خواهند ساخت و آخر او در آن سیلاب خواهد بود و تا آخر جنگ خرابیها معین است."

و... یادتان باشد، این پایان جنگ است. این را اینجا روی تخته داریم اکنون در حال آغاز چیز دیگری هستیم.

"^{۲۷} و او با اشخاص بسیار در یک هفته عهد را استوار خواهد ساخت و در نصف آن هفته قربانی و هدیه را موقوف خواهد کرد و بر کنگره رجاسات خراب کننده‌ای خواهد آمد والی التّهایت آنچه مقدر است بر خراب کننده ریخته خواهد شد."

۴۱- اوه، چه درسی! یک روز به همسرم گفتم: "خوشحال می‌شوم اگر جماعت واقعاً

این را در یابند." حال می‌خواهم که این را دریابند، اگر شما، اگر مجبور شدیم تمام روز اینجا بمانیم، اینجا بمانید. حال ما، ما، ما می‌خواهیم این را دریابیم. می‌بینید؟ می‌خواهیم بدانیم که این حقیقت است، و شما... شاید فقط بتوانید این را ببینید. و شاید من بخواهم...

و بعد می‌خواهم که این نمودار را همین جا بگذارم تا بعداً شما بتوانید آن را بکشید. امروز بعد از ظهر یا هر وقت که خواستید به اینجا بیایید و این نمودار را برای خودتان بکشید. من کمکتان می‌کنم که درک کنید. به همین دلیل است که آن را اینجا می‌گذارم، تا شما بتوانید آن را درک کنید.

۴۳- حال، چند دقیقه یک مروری کنیم تا بتوانیم یک پایه و بنیان داشته باشیم. حال... دانیال به قوم خود اهمیت می‌داد زیرا او کتاب ارمیای نبی را خوانده بود و دریافته بود که ارمیا گفته است آنها برای هفتاد سال در اسارت خواهد بود و بعد دیده بود که اینک آنها شصت و هشت سال است که در اسارت هستند، پس می‌دانست که زمان نزدیک است. پس تمام کارهای خود را کنار گذاشت و از تمام کارهای روزمره خود کناره گرفت و پلاس در بر کرده، در خاکستر نشست و روی خود را به خداوند گذاشت و دعا و روزه گرفت تا درک کند که این زمان در چه وقت باید باشد و چنان که قبلاً عنوان کردم متوجه می‌شویم...

آن را اندکی جابجا کنید... یک کم... این باعث می‌شود صدای من بگیرد. آن وقت یک... متشکرم برادر.

۴۴- اکنون متوجه می‌شویم که دانیال این اطلاعات را برای قوم خود می‌خواست. و فکر می‌کنیم که اگر دانیال انبیای قبل از خود را خوانده و به چنین درکی رسیده است که به پایان نزدیک است، و به جستجوی خدا پرداخته، پس فکر می‌کنم با دیدن این ما هم می‌دانیم که به پایان راه نزدیک هستیم. البته ما پلاس در بر نمی‌کنیم، بلکه باید امور این

دنیا را دور انداخته و به دنبال خدا باشیم تا دریابیم در چه روزی از سال هستیم، چون می‌بینیم که در انتها هستیم، و کلیسا در دعا و روزه بوده و آماده خواهد بود. به این دلیل است که من تلاش می‌کنم تا این را خود بر عهده بگیرم. نمی‌دانم چطور توصیف کنم، زیرا هر بار از آن گذشته‌ام و گفته‌ام: "این هفتادمین هفته‌ی دانیال... " چون نمی‌توانستم درکش کنم... به همین دلیل است که تلاش کردم توضیح آن را خودم بر عهده بگیرم و ایمان دارم که با کمک خداوند و فیض او می‌توانم این کار را انجام دهم و این را به جایی آورم که به شما نشان دهم، چقدر به آمدن خداوند نزدیک هستیم.

۴۵- حال، دانیال تنها دو سال زمان داشت. سپس می‌بینیم که هنگامی که او در دعا بود، جبرئیل نزد او آمد و نه تنها به او توضیح داد که قوم چه زمانی از اسارت رهایی خواهند یافت، بلکه هر آنچه که برای قوم خداوند مقرر شده و باقیمانده بود را برای او توضیح داد. او گفت: "هفتاد هفته برای قوم تو و شهر مقدّست مقرر می‌باشد... " سپس می‌بینیم که او یک نقشه شش مرحله‌ای داشت، که یکی از آنها پایان دادن به عصیان و پایان گناه، برای ایجاد آشتی و ایجاد عدالت بوده و مهر کردن و یا نبوّت مسح نمودن قدس‌الاقداّس...

و ما صبح یکشنبه‌ی گذشته، دانیال را در شرایط دعا بررسی کردیم و غروب آن روز هم آیات را به شما دادیم تا بتوانید در منزل آن را مطالعه کنید. آن را مطالعه کردید؟ خوششان آمد؟ عالی است.

حال آن شش مرحله و مرحله‌ی ششم آن «مسح قدس‌الاقداّس»، می‌بینیم که همیشه قدس‌الاقداّس نمایانگر کلیسا است، خیمه، و تنها چیزی که باید انجام می‌شد، مسح قدس‌الاقداّس بود، این خیمه‌ی سلطنت هزار ساله است که او در خلال هزارسال در آن خواهد بود، و ما در آن زندگی خواهیم کرد.

۴۹- اکنون امروز داریم به این می‌رسیم که «هفتاد هفته چیست؟» و این بخش بسیار حیاتی است. هفتاد هفته.

می‌دانیم که کتاب مقدس نمی‌تواند دروغ بگوید، این باید حقیقت باشد و اگر فرشته‌ی جبرئیل آمده و به دانیال گفته که تنها هفتاد هفته برای قوم مقرر گشته است... حال، ما باید آن را برای شش روز یا هفت روز هفته بکار ببریم. ولی در نبوت همیشه بصورت مثل آورده و بدون شک در طول اعصار صدها بار و صدها نفر از محققین و حکما، تلاش کرده‌اند که این هفتاد هفته‌ی دانیال را توضیح دهند. من نظرات بسیاری از آنها را در این مورد خوانده‌ام و از دیدگاه آقای اسمیت^{۲۷} از کلیسای ادونتیست^{۲۸} قدردانی می‌کنم. بسیار از نقطه نظرات دکتر لارکین^{۲۹} سپاسگذارم. قدردان نقطه نظرات تمام این محققین در این مورد هستم. خواندن آنها برای من بسیار روشنگر بود، تا بتوانم جاهایی که به نظر درست می‌رسید را پیدا کنم. ولی برای رسیدن به نظری که من، که من فکر کردم می‌خواهم توضیح دهم، در فرهنگ لغت، زمان را جستجو کردم تا دریابم که معنی زمان چیست.

۵۲- و ما در اینجا متوجه می‌شویم که، ما زمان را داریم، زمان و تقسیم بندی زمان. زمان چیست؟ هفته چیست؟ اکنون ۳۴۳۰ سال از زمانی که خدا با یهودیان عهد بست می‌گذرد. دانیال مربوط به زمان قبل از مسیح بود، در آن زمان سال ۵۳۸ قبل از میلاد بود. ۵۳۸ سال قبل از مسیح، در آن هنگام او از زمان، تقسیم زمان و هفتاد هفته صحبت می‌کند. ببینید که هفتاد هفته او را به کجا می‌برد. چرا که، او در هفتاد هفته هنوز در بابل بود، در حالی که خدا گفته بود، این تمام زمانی است که برای قوم مقرر شده است.

۵۳- حال، کلیسای من می‌دانند که در تمام این سال‌ها من بدیشان گفته‌ام: "اگر

می‌خواهید بدانید در چه روزی زندگی می‌کنید، به تقویم نگاه می‌کنید. اگر می‌خواهید بدانید در چه زمانی زندگی می‌کنید، به یهودیان نگاه کنید. "این تنها گاه‌شمار است. خدا هیچ زمانی را برای امت‌ها مقدر نکرده است. هیچ مقطع زمانی مشخصی وجود ندارد، و فکر کنم اینجا جایی است که اغلب نویسندگان بزرگ دچار اشتباه شدند. آنها تلاش می‌کردند که این را برای یهودیان و امت‌ها بکار ببرند، زیرا گفته بود: "قوم تو" ولی مخاطب او دانیال بود، نه کلیسا، قوم دانیال یعنی یهودیان. اگر او با کلیسا صحبت می‌کرد، شما نمی‌توانستید آن را با هیچ قسمتی سازگار کنید. هر هفته‌ی نبوتی که شما بخواهید در این مورد بکار ببرید را مردود می‌کنم. همه اینک مردود شده است. او در حال صحبت با یهودیان بود، پس بنابراین، آنها در این گاه‌شمار خدا هستند.

۵۴- به یاد دارید که چند وقت پیش نایب رئیس انجمن بین‌المللی تاجران انجیل تام، به منزل من آمده و با خود یک نوار آورده بود، نه نوار نبود، عذر می‌خواهم یک فیلم با خود آورده بود که اسمش را گذاشته بودند «سه دقیقه تا نیمه شب»، که برگرفته از یک تحقیق علمی بود. آن یهودیان را می‌دیدم که به اورشلیم باز می‌گردند، به این خیمه آمدم و گفتم: "احساس می‌کنم یک هدایت دوباره دارم." خیلی از شما این را به خاطر دارید. گفتم دیدن بازگشت آن یهودیان... عیسی در متی ۲۴ گفت: "پس از درخت انجیل مثلش را فرا گیرید که چون شاخه‌اش نازک شده، برگ‌ها می‌آورد، می‌فهمید که تابستان نزدیک است." می‌بینید؟ بازگشت یهودیان...

۵۵- حال یک سری مطالب اینجا یادداشت کرده‌ام که می‌خواهم به آنها بپردازم. سعی می‌کنم که، که در وقت صرفه‌جویی کنم تا شما بتوانید آنها را یادداشت کنید. حال همه‌ی اینها در... اینها... اینها در دورانی که ما در آن هستیم واقع خواهد شد. همه‌ی اینها در مورد یهودیان رخ می‌دهد و هیچ ارتباطی با کلیسا ندارد. به هیچ وجه. هیچ چیز از مکاشفه باب ۳ تا مکاشفه باب ۱۹ ارتباطی با کلیسا ندارد. نمی‌توانید این را ربط بدهید.

اکنون، می‌خواهم شرح دهم که چطور این را دریافتیم. حال، همان‌طور که می‌توانید روی تخته را ببینید ما یک چهار بعدی را اینجا رسم کرده‌ایم، بطوری که فواصل زمانی را نشان می‌دهد و همه می‌توانند آن را درک کنند. می‌توانند... کسانی که آن انتها نشسته‌اند قادر نیستند که خوب این را ببینید. چون با خط خیلی ریزی نوشته شده است. البته این دستخط بکی^{۳۰} است، و... و آن عکس... نقاشی من از این هم بدتر بود، ولی این را بکی رسم کرده است، از روی رویای نبوکدنصر. البته فکر کنم این بیشتر شبیه یک دختر است تا یک مرد، ولی بهر حال این، این، این مفهوم را خواهد رساند.

۵۷- حال کتاب مقدس را بخوانیم، می‌بینیم که هفتاد هفته برای قوم مقدر شده است... حال این... این هیچ ارتباطی با کلیسا ندارد، هفتاد هفته کوچک‌ترین ارتباطی با کلیسا ندارد. اگر توجه کرده باشید، من اینجا روی نمودار، دوره‌های کلیسا را مابین این هفتاد هفته رسم کرده‌ام. یکی از برادران اهل جورجیا هنگامی که روی دوره‌های کلیسا صحبت می‌کردیم این را برای ما رسم کرده است. و مطمئناً می‌توانیم درک کنیم که مفهوم این چیست.

این علامت سفید در اینجا در کلیسا، به این مفهوم است که کلیسا تماماً رسولانی بوده است، و بعد در دومین دوره کلیسا، آنها تعالیم نقولوویان، و یا اعمال نقولوویان را داشته‌اند که هنوز یک تعلیم نشده بود. سومین دوره کلیسا یک تعلیم شد و در چهارمین دوره سازماندهی شد و این تشکیلات پایی رومی بود. توجه کنید با تمام تاریکی در آنجا، نمایانگر نقولوویان و یا رومانیسیم است. قسمت سفید رنگ نمایانگر روح القدس است، کلیسا همان‌طور که در زمان پولس رسول بود، تمام کلیسای رسولانی با روح القدس پر شده بود. سپس اشراف‌زادگان شروع به ورود نمودند و نهایتاً هر چیزی را یکی کرده و یک کلیسای کاملاً جدید از بطن آن ساختند و آن کلیسای کوچک در آتش سوخت،

خوراک شیران شد و یا سنگسار گردید و مسائل دیگر...

۵۹- در دوران اصلاحات لوتر^{۳۱} کمی نورانی‌تر آمد. متوجه هستید؟ در دورانِ سِلی^{۳۲} آن را به کمی نورانی‌تر سوق داد. ولی در این آخرین دوره‌ی کلیسا در اینجا، کلیسای دوره‌ی نقولایویان، این دوره‌ای است که ما، البته لائودیکیه و نه نقولایویان، ما در دوران لائودیکیه زندگی می‌کنیم. توجّه کنید، نور زیادی در آن نیست.

یک نفر که این نقاشی را آن بالا دیده بود گفت: "خجالت بکشید برادر برانهام! این دوره‌ی عظیم روشنگری..."

من گفتم: "تصوّر روزی را می‌کنم که غربال خواهد شد و حتّی عادل نیست." شما زمانی به خلوص واقعی در قلب خود رسیده‌اید که توکد تازه از روح‌القدس یافته باشید. یادتان باشد، این در بین تمام دوره‌ها، لائودیکیه تنها دوره‌ی کلیسا بود که مسیح از کلیسای خود بیرون گذاشته شده بود. ما به یک اعتراف عظیم رسیده‌ایم. آیا مسیح واقعاً در کلیساست؟ بسیار اندک خواهد بود.

۶۱- حال برگردیم به هفتاد هفته‌ی دانیال. اکنون، باید دوباره در اینجا تکرار کنیم: "خادمین انجیل! اگر با این موافق نباشید، اشکالی ندارد." آنها به سه مقطع تقسیم شده‌اند، چنان‌که این را در دانیال باب ۹ می‌بینیم. ابتدا یک دوره‌ی هفت هفته‌ای، سپس یک شصت و دو هفته، و بعد یک دوره‌ی یک هفته‌ای. آنها به سه مقطع تقسیم شده‌اند.

اکنون من این را روی تخته تقسیم کرده‌ام. دوره‌ی اوّل، دوره‌ی دوّم و بر اساس درکم از انجیل، بواسطه‌ی روح‌القدس، که زمان آخر خدا دوباره به سمت یهودیان بازمی‌گردد.

حال، ما از طریق تمام اناجیل که پولس و سایرین تعلیم داده‌اند، می‌دانیم که خدا به

سمت یهودیان بازگشت خواهد نمود. خوب، پس اگر قرار است او به سمت یهودیان بازگردد، چطور ما می‌توانیم این را در زمان دانیال به کار ببریم؟ ما باید آن را در این دوره‌ی آخر بکار ببریم، و این بعد از این است که کلیسای امت‌ها به آسمان رفته باشد، زیرا او با اسرائیل بعنوان یک امت رفتار می‌کند و ما به عنوان فرد.

۶۴- یک یادداشتی اینجا دارم و تمایل دارم همین‌طور که پیش می‌رویم آن را برای شما بخوانم. حال، اعلام فرمان بازسازی اورشلیم که در تاریخ چهاردهم مارس بود، اگر کسی می‌خواهد یادداشت کند، این را در عبری «نیسان» خوانده شده که معنی مارس می‌دهد. در سال ۴۴۵ قبل از میلاد فرمان صادر شد. بازسازی معبد... تا زمان کامل شدن، چهل و نه سال طول کشید تا معبد و شهر بازسازی شود و همان‌طور که کتاب مقدس در اینجا می‌گوید، دانیال صحبت می‌کند، یا فرشته با دانیال صحبت می‌کند که حصارها در زمان سخت بنا خواهد شد و ما می‌دانیم زمانی که حصار ساخته می‌شد، آنها در یک دست شمشیر و در دست دیگرشان خشت داشتند تا مراقب دشمنان باشند. "در زمان تنگی بنا خواهد شد" و این جایی است که من ایام خود را پیدا می‌کنم...

۶۵- حال، ما دو یا سه تقویم متفاوت داریم. به تقویم نجومی قدیمی که مراجعه کنیم، می‌بینیم که در تقویم شمسی جولیان، یک سال ۳۶۵ روز و شش ساعت است. آنها این را از روی عبور ساردیس و دیگر ستارگان، زمان بندی کردند. حال در تقویم رومی که اکنون تقویم رسمی ماست، می‌بینیم که سال به ۳۶۵ روز در تقویم تقسیم شده است. ولی در تقویم مسیحی یا نبوتی متوجه می‌شویم که سال ۳۶۰ روز است.

حال، شاید تعجب کنید که چطور این همه آشفتگی پدید آمده است. به گمانم در دوران قبل از طوفان، و در ایام ایوب... زمان را بر اساس ستاره‌ها می‌سنجیدند و متوجه می‌شویم... یا قبل از آن زمان که جهان به صورت عمودی قرار داشت، و بعد در گناه انسان، سیل و طغیان و ناراستی پدید آمد، از اینرو ما توده‌های عظیم یخ را شاهد هستیم و

بالا و پایین زمین، پوشیده از یخ است. این را می‌دانیم که زمین بصورت راست قرار نگرفته، بلکه به صورت کج قرار دارد. این از جایی که آنها ماه و ستارگان را می‌نگریستند، باعث اشتباه می‌شد و محل آن را گم می‌کردند، بنابراین دیگر نمی‌توانستید از این طریق زمان را محاسبه کنید؛ زیرا حرکتی یک طرفه داشت و به همان طریق برمی‌گشت. بنابراین این نمی‌شد در همان زمان ستاره را رصد کرد، زیرا از محدوده ستاره‌های آنها خارج بود. متوجه می‌شوید؟ به گمانم این گونه بوده است.

۶۷- این در آن شرایط باقی مانده است و آن فقط نشان می‌دهد که این یک مقطع زمانی است. متوجه نمی‌شوید؟ خدا چیزی خارج از برنامه ندارد، او فقط اجازه می‌دهد که این برای مدتی به این صورت انجام شود. و به راستی فکر می‌کنم که این کار صورت گرفته و این ایام آخر، زمانی است که خدا این اسرار را برای کلیسا مکشوف می‌سازد. او قبلاً این کار را نکرده، و دلیل اینکه این کار را نکرده، این است که کلیسا را در دعا در همه وقت مراقب نگه دارد، بدون اینکه جماعت بدانند چه زمانی در حال آمدن است. ولی یادتان هست که او در دانیال باب ۱۲ گفت: "در ایام آخر حکیمان خواهند فهمید؟" این به او داده شده است.

روح حکمت بر کلیسا می‌آید تا بر کلیسا آشکار سازد و بشناساند، توسط مکاشفه‌ی روح‌القدس، کلیسا را داخل آورد و مکشوف سازد که در چه زمانی زندگی می‌کنیم. درست به همان صورتی که جبرئیل نزد دانیال آمد، در ایام آخر روح‌القدس بر کلیسا می‌آید تا این اسرار عمیق و عظیم را بر او مکشوف سازد. حال متوجه می‌شوید؟ حال این، تقویم شمسی جولیان و سال ستارگانی را ناکارآمد می‌سازد. می‌بینید؟ چون زمین حالت کج و مورب دارد. همه ما این را از دوران مدرسه می‌دانیم. بنابراین آن ستارگان نمی‌توانستند در همان زمان در مدار زمین عبور کنند. بنابراین تقویم رومی هم اشتباه است، زیرا نمی‌توانید روزها را مرتب کنید... چیزهای زیادی هست که می‌توانم اینجا

بگویم. حتی خود طبیعت هم به ما می‌آموزد که تنها سی روز در ماه وجود دارد. دقیقاً سی روز در هر ماه.

حال، کتاب مکاشفه را بردارید، جایی که باید از اینجا به آن برویم، یعنی ایام آن دو نبی. کتاب مقدس می‌گوید که آنها ۱۲۶۲ روز نبوت کردند. حال تقویم نجومی را بردارید. این مطمئناً خیلی با اینکه سه سال و نیم باشد، فاصله خواهد داشت. حال تقویم رومی که امروزه از آن استفاده می‌کنیم را بردارید. این هم فاصله‌ی زیادی خواهد داشت. ولی تقویم نبوتی را بردارید، دقیقاً بر مبنی هر ماه سی روز، یعنی ۱۲۶۲ روز خواهد شد. می‌بینید؟

۷۱- ما بعضی از ماه‌های سی روزه، برخی دیگر سی و یک روزه و برخی دیگر را بیست و هشت روزه داریم. می‌بینید. همه‌ی ما آشفته‌ایم. اما کار خدا بی‌قاعدگی، بالا و پایین و... ندارد، او دقیقاً به همان صورت انجامش می‌دهد. بله آقا! دقیقاً همان، هر ماه سی روز، نه یک ماه سی و یک روز، بعد سی روز و بعد چیز دیگر. می‌بینید؟ این تماماً در تفکر عظیم خدا انجام شده که کلیسا را در دعا و مراقب نگهدارد تا مهیا باشند و ردای خود را در خون بره شستشو دهند. اوه، در این ایام آخر او وعده داده است... حال، ما می‌دانیم که کجا زندگی می‌کنیم و یادتان باشد، هدف، تنها هدف انجام این کار است.

۷۲- حال اگر هفت... نگاه کنید، دقیقاً چهل و نه روز، چهل و نه سال زمان بنای معبد بود. یعنی نصف هفته‌ی نبوتی، هفت هفته، زیرا برای معبد، برای بازسازی معبد هفت هفته مقرر شده بود و این دقیقاً در چهل و نه سال انجام شد. حال، ما مفهوم زمان در هفته‌ها را داریم، چرا که کتاب مقدس می‌گوید: "فرشته گفت که بازسازی معبد هفت هفته به معنی چهل و نه سال است." همین، یک هفته برابر با هفت سال است و هفت هفته دقیقاً می‌شود چهل و نه سال.

۷۳- پس اکنون احتمال دیگری در این مود وجود ندارد. حال می‌دانیم که هر هفته به معنای هفت سال است. متوجه می‌شوید؟ با هم تکرار کنیم «یک هفته برابر با هفت سال است». حال می‌دانیم که متوجه شدیم، یک هفته معادل هفت سال است.

ما اینجا در اولین هفته هستیم. [برادر برانهام به سمت تخته سیاه می‌رود و چیزی رسم می‌کند.] چهل و نه سال برای بازسازی معبد. این ردیف بالا نمایانگر قوم یهود است، این زمان است و هنگامی که اینجا به پایین می‌رسد، از امت یهود به زمان امت یهود می‌رسد، سپس دوباره بالا می‌رود، اسرائیل را نشان می‌دهد و ادامه می‌یابد.

۷۵- حال، برای امت‌ها زمانی تعیین نشده بود، فقط گفته شده «زمان امت‌ها»، و متوجه می‌شویم که حتی عیسی هم زمانی برای آنها معین نکرد، چون این را در لوقا ۲۴:۲۱ می‌بینیم که می‌گوید: "زمان‌های امت‌ها به انجام رسد." بگذارید این را بخوانیم، چون بر روی نوار ضبط می‌شود و می‌خواهیم مطمئن شویم که به درستی آن را درک می‌کنیم. اگر بخواهید با من کتاب لوقا باب ۲۱ آیه ۲۴ را باز کنید.

"و به دم شمشیر خواهند افتاد." و... او در مورد چه کسی صحبت می‌کند؟ یهودیان. این مربوط به سال هفتاد بعد از میلاد است و در میان جمیع امت‌ها به اسیری خواهند رفت. حال یادتان باشد، نه فقط در بابل، نه فقط در رم، بلکه در تمام امت‌ها. این جایی است که امروز یهودیان هستند. جمیع امت‌ها... و اورشلیم پایمال امت‌ها خواهد شد تا زمان‌های امت‌ها به انجام رسد.

۷۶- پس زمانی مشخص شده است، ولی هیچ‌کس نمی‌داند که چه وقت خواهد بود. می‌بینید؟ این یک راز است. متوجه هستید؟ زمان امت‌ها، نه یهودیان. و ما نمی‌توانیم این زمان را توسط کلیسا و آنچه رو به زوال می‌رود یا ادامه می‌یابد مشخص کنیم، نمی‌توانیم از این طریق بگوییم، به یهودیان نگاه کنید، تقویم زمان آنجاست. آن را

می‌بینید؟ خدا دقیقاً برای آنها یک روز، ساعت و زمان را تعیین نموده است، ولی برای امت‌ها خیر. او برای یهودیان این کار را انجام داده است، پس برای اینکه بفهمیم کجا هستیم، باید به یهودیان بنگریم.

حال، پس هفت هفته معادل چهل و نه سال بود. اکنون ما به وضوح دریافته‌ایم که یک، که یک هفته معادل هفت سال است. یک هفته، هفت سال.

۷۸- حال، حال ما از صدور فرمان شهر ماسیح، که البته ماسیح همان مسیح بود، اطلاع داریم که می‌بایست هفت هفته و شصت و دو هفته می‌شد، که جمعاً می‌شود شصت و نه هفته. می‌بینید؟ و هفت برابر شصت و نه می‌شود ۴۸۳ سال. حال متوجه شدید؟ اگر بخواهید که دوباره بگویم، خوشحال خواهم شد.

حال، می‌دانیم که از زمان صدور فرمان بازسازی شهر ماسیح می‌بایست هفت هفته باشد. هفت، این اولین است، اولین، همین‌جا. هفت هفته و شصت و دو هفته، که مجموعاً می‌شود شصت و نه هفته. شصت و نه هفته که هفت برابر شصت و نه هفته می‌شود ۴۸۳ سال. بنابراین ماسیح، اکنون به این بخش می‌رسیم، تا مسیح می‌بایست ۴۸۳ سال زمان باشد.

۸۰- حال، حال عیسی، ماسیح، فاتحانه سوار بر کره‌ الاغی و بر برگ درختان خرما، در تاریخ ۲ آوریل سال ۳۰ بعد از میلاد وارد اورشلیم شد. عیسی یکشنبه، دوم آوریل سال سی به اورشلیم وارد شد. و حال، حال از سال ۴۴۵ قبل از میلاد تا ۳۰ بعد از میلاد، دقیقاً ۴۷۵ سال است.

اما همان‌طور که دیدیم شصت و نه هفته می‌شود ۴۸۳ سال... حال، اینجا جایی است که مشکل ایجاد می‌شود، همین‌جا. می‌بینید؟ ما تنها اشاره‌ی کتاب مقدس را در اینجا داریم، زمان، تنها ۴۷۵ سال در حالی که حقیقتاً باید ۴۸۳ سال باشد. یک تفاوت هشت ساله.

حال، خدا نمی‌تواند این را از قلم ببندازد. اگر او گفته است چنین ایامی خواهد بود، پس خواهد بود. اگر گفته است بسیار زیاد خواهد بود، بسیار زیاد خواهد بود. خوب، می‌خواهیم چکار کنیم؟ حال، سال ۴۷۵ قبل از میلاد تا ۳۰ بعد از میلاد. سال‌ها مطابق تقویم جولیان و نجومی هر یک ۳۶۵ روز و شش ساعت هستند و ما بر اساس تقویم نبوتی این روزها را کسر کردیم.

۸۳- حال، بگذارید چند لحظه همین جا درنگ کنیم تا اگر شما ذره‌ای شک دارید آن را برطرف کنیم. می‌توانیم از طریق تمام کتاب مقدس اثبات کنیم که هفت روز، یک هفته، در کتاب مقدس معادل هفت سال است. همین الآن اینجا آن را انجام دادم، در مکاشفه باب ۱۳ و یا باب ۱۱ آیه ۳. آن انبیا مدت ۱۲۶۲ روز نبوت خواهند کرد، که وسط آخرین هفته‌ی یهودیان است. سپس آنها منقطع شده و آرماگدون^{۳۳} رخ می‌دهد. پس اگر چنین باشد، دوباره باید هرماه سی روز باشد، باید هر ماه سی روز باشد. می‌بینید؟ پس سی روز و بیست و هشت روز و غیره نیست، بلکه دقیقاً هر ماه سی روز است.

۸۴- تقویم نبوتی که ما در کتاب مقدس از آن استفاده می‌نماییم، ما را به ۳۶۰ روز در سال می‌راند. ما دقیقاً ۴۸۳ سال را داریم. اینهاش ۴۸۳، اینجا ما دقیقاً دلیل و اثبات نبوت را داریم، کاملاً درست است. چون از زمان صدور فرمان بنای معبد تا تخریب... یا هنگامی که آنها مسیح را رد کرده و در سال ۳۳ بعد از میلاد او را کشتند، زمانی که مسیح کشته شد، دقیقاً ۴۸۳ سال بود. حال، از زمان صدور فرمان بازسازی اورشلیم هفت هفته مقرر شده بود، که معادل ۴۹ سال بود و دقیقاً چهل و نه سال به دارازا کشید. خوب، این دقیقاً مصادف و مقارن با آن روز است. آمین!

^{۳۳} کلمه‌ی آرماگدون Armageddon واژه ایست یونانی به معنی تپه‌ی شریفان یا بنا بر تعریف فرهنگ وبستر به معنی نبرد نهایی حق و باطل در آخر زمان است. در باب ۱۶ مکاشفه به آن اشاره شده است.

مسیح رئیس باید بیاید. می بینید؟ هفت برابر شصت و نه، دقیقاً ۴۸۴ سال است. پس آن وقت ما کاملاً و دقیقاً می دانیم که کتاب مقدس درست است. اما می دانید، تمام اینها...

۸۶- هنگامی که خدا جهان پیش از طوفان را توسط آب نابود کرد، تاریخ نجومی را تغییر داد و اجازه داد که رومی‌ها تقویم خود را بسازند، که این تقویم بالا و پایین و... دارد. و به گمانم حتی در دایره‌المعارف هم که بخوانیم...

در هر صورت، امروز صبح برادر کالینز اینجا هستند. برادر کینت کالینز!^{۳۴} آیا می‌دانی آن دایره‌المعارف را کی برای من فرستادی؟ یادت هست؟ فکر کنم یک کامیون پر از آنها را برای من فرستاده بودی. با خودم فکر می‌کردم: "یک آدم ناشی مانند من، چه کاری می‌تواند با اینها انجام دهد؟" می‌دانی کینی؟! خدا داشت تو را هدایت می‌کرد. در اینجا بود که من اطلاعات لازم را بدست آوردم، درست در همان دایره‌المعارف قدیمی. من آنها را مطالعه می‌کردم و بکی هم از آنها در مدرسه استفاده می‌کند. آنها را به اینجا در اطاق مطالعه‌ی خود آورده‌ام، همین پایین. ما به آنها نگاه کردیم و دقیقاً آنجا بود که به این اطلاعات رسیدیم. و تمام تقویم‌ها و زمان‌هایی را که تابحال وجود داشته است، کشیدیم. می‌بینید؟ به این ترتیب آن را یافتیم.

اینجاست، دقیقاً ۴۸۳ سال از صدور فرمان بازسازی، بازسازی معبد تا زمانی که مسیح رئیس رد شد، که بنابر این تقویم دقیقاً می‌شود ۴۸۳ سال.

۸۹- اکنون، می‌دانید ما در اینجا از همان تقویم استفاده می‌کنیم، چون اگر خدا در اینجا از آن استفاده نموده است، پس باید در سایر زمان‌ها در کتاب مقدس نیز از همان استفاده کند. درست است؟ خدا تغییر نمی‌کند. به این ترتیب اگر هفت هفته برابر با چهل و نه سال بود، باز هم هفت هفته برابر با چهل و نه سال خواهد بود. یک هفته برابر با هفت

سال است. می‌بینید؟ و این را کاملاً تکمیل می‌سازد، اگر خداوند در آنجا به یک نقطه و یا یک موضوع اشاره کرده است، بازهم همان کار را خواهد نمود. آمین! اوه، خدای من! این من را کاملاً به هیجان می‌آورد. من، من دوست دارم بدانم در چه مورد صحبت می‌کنم، چون...

همان‌طور که یکی از دوستان قدیمی من در کتاکتی یک بار به من گفت: "دوست دارم به حرف کسانی گوش کنم که می‌دانند در مورد چه چیزی صحبت می‌کنند."

گفتم: "من هم همین‌طور."

او گفت: "مشکل شما واعظین همین است. شما اصلاً نمی‌دانید در مورد چه چیزی صحبت می‌کنی."

من هم جواب دادم: "خوب، من از تعریف شما ممنونم. ولی یک چیزی هست که ما واعظین می‌دانیم در چه موردی حرف می‌زنیم." می‌دانم که توگلد تازه دارم. می‌دانم که از موت به حیات منتقل گشته‌ام. می‌دانم که خدایی وجود دارد، زیرا با او حرف زده‌ام و او نیز با من حرف زده است. در مورد دیگران با من تکلم نموده و می‌دانم که او خداست. درست است. او آن‌قدر مهربان بود که پایین بیاید و اجازه دهد که عکس من با او گرفته شود و دنیای علمی نتواند آن را انکار کند. من کتاب مقدس را ورق زده‌ام و دیده‌ام که این دقیقاً تحقق این دوره‌ی کلیسا است. چیزی که دقیقاً دارد رخ می‌دهد. پس می‌دانم که در اینجا هستیم. آمین!

۹۱- حال، شاید تحصیل‌کرده نباشیم، شاید خیلی مهم و سرشناس و یا چیزهایی از این قبیل نباشیم، ولی خدا را می‌شناسیم. ما او را بخاطر روح القدس می‌شناسیم و آن، کلمه به کلمه‌ی کتاب مقدس را مقایسه می‌کند تا ما بدانیم که این حقیقت است. ما در ایام آخر زندگی می‌کنیم.

حال... اکنون به یاد دشته باشید، که این سال نبوتی ۳۶۰ روزه... به هر چیز دیگری نیز نظر کنید، طبیعت، همانطور که بعضی از شما می‌توانید درک کنید، حتی نسبت به زنان... می‌دانید... سی، سی روز، می‌دانید... تمام طبیعت بر این اساس بنیاد گذاشته شده است، نه اینکه سی و یک روز، بعد سی روز و بعد بیست و هشت روز و غیره، بلکه دقیقاً سی روز در هر ماه. این تقویم، تقویم نبوتی است. دقیقاً ۴۸۳ سال.

اینجا ما اثبات و برهان دقیق نبوت ۴۴۵ سال را داریم که دقیقاً درست بود. حال، تمام آنچه که برای آن هفتاد هفته نبوت شده بود و می‌بایست واقع می‌شد، در آن زمان رخ نداد و برای ایام آخر باقی گذاشته شده است.

۹۴- حال، برادران پنطیکاستی من! برادران شاهدان بیهوه! متوجه شده‌اید که... می‌دانید آن ۱۴۴۰۰۰ نفر کجا ظاهر شدند؟ می‌دانید تمام معجزات عظیم مکاشفه کجا آشکار گردید؟ آنجا در دوره‌ی یهودی، نه در دوران ما. هیچ چیزی درباب ظاهر شدن و بیرون رفتن کلیسا در آن ثبت نشده است. قطعاً، ما با قدرت خدا قادر به انجام معجزات و اعمال عظیم هستیم، این را می‌دانیم. ولی کار اصلی آنجاست، با یهودیان. منظورم، قدرت عمل حقیقی و اعمال معجزه آمیز است.

آن ۱۴۴۰۰۰ نفر آنجا آشکار نمی‌شوند، آنها در... آنها در باب سوّم ظاهر نمی‌شوند، بلکه در باب‌های بعدی هستند. و حال، می‌دانیم همه‌ی این امور که باید رخ می‌داد، مربوط به هفتادمین هفته، یعنی هفته‌ی آخر است. پس اگر آنها هم اکنون در شصت و نه هفته‌ی آن زندگی کرده‌اند و دقیقاً به همان صورتی که خدا گفته بود آن را انجام داده‌اند، و همه چیز درست برطبق آنچه خدا گفته بود، رخ داده است؛ پس هفته‌ی دیگری که به یهودیان وعده داده شده باشد وجود ندارد. حال برادران! آنها اکنون مهیا می‌شوند. می‌بینید؟ می‌بینید؟ گوش کنید که چقدر نزدیک هستیم. آخرین هفته، هفتمین سال...

۹۶- حال، آیا همه تا اینجاى مطلب را متوجه شدند؟ اگر شما... پس همه متوجه شده‌اند که این حقیقت است. این کتاب مقدس است. این سال نبوتی است.

حال، ما تا به اینجا یعنی رد نمودن مسیح را مطرح نمودیم. می‌بینید؟ از... تا رد نمودن مسیح، آخرین هفته.

اکنون می‌خواهیم چند لحظه همین‌جا درنگ کنیم و این را توضیح دهیم. قطعاً، هنگامی که آنها ماشیح را رد نمودند، زمانی است که عیسی را بعنوان منجی انکار نموده و مصلوبش کردند. به یاد دارید که در کتاب مقدس گفته شده است: "که او منقطع خواهد شد، ولی نه بخاطر خود، ماشیح، رئیس حیات... " حال، فکرش را بکنید که آن نبوت چقدر نزدیک اشاره کرده است. اکنون می‌خواهم این را خوب به شما تفهیم کنم که اگر آن نبوت دقیقاً به تاریخ، دقیقاً به زمان و دقیقاً به نحوه‌ی انجام آن اشاره کرده است، پس این هفت روز باقیمانده، یعنی یک هفته‌ی باقیمانده، یا همان هفت سال، دقیقاً مطابق و برابر با کتاب مقدس انجام خواهد شد.

۹۹- حال، یادتان باشد، او یعنی ماشیح منقطع گشت. خدا نزول کرد تا با یهودیان عهد ببندد. آنها جلوتر نرفتند. ایشان توسط امپراطوری روم پراکنده شدند. به نمودار من در اینجا توجه کرده‌اید...

می‌خواهم که این را درک کرده و برای خود رسم کنید. اینجا جایی است که آنها او را انکار نمودند. ولی زمان اندکی بیش در آن به درازا کشید. می‌بینید؟ چرا؟ سی، چهل، پنجاه، شصت، هفتاد... چهل سال بعد، تیطس ژنرال رومی اسرائیل و اورشلیم را تخریب نموده و قوم را در سرتاسر دنیا پراکنده ساخت.

می‌بینید، تیطس چهل سال بعد... پس حقیقتاً زمان یهودیان تا زمان تکمیل... خدا با آنها در ارتباط نبود، او تنها تا زمانی که آنها مسیح را انکار نمودند، با ایشان در ارتباط و عمل

بود. سپس، هنگامی که مسیح را مصلوب نمودند فریاد برآوردند: "خون او بر ما و فرزندان ما باد." و تابحال چنین بوده است. ولی قبل از اینکه پراکنده شوند... گوش کنید. اوه، برادر! پیش از اینکه آنها در تمام جهان پراکنده شوند، چهل سال زمان برد تا خدا معبد را درهم کوبیده و آنها را در سرتاسر دنیا پراکنده سازد. اما خدا از انجام کار بیشتری در بین آنها سر باز زد. خدا دیگر در بین آنها کاری انجام نداد و عمل خویش را به سوی امت‌ها سوق داد. شما این را می‌دانید. حال متوجه می‌شوید؟ حال در اینجاست که ما دوره‌های کلیسا را آغاز می‌کنیم. زمان امت‌ها، جدای از یهودیان.

۱۰۱- حال، برادران مبشر من که با یهودیان در ارتباط هستید! یک برادر بسیار گرمی جایی همین جاهاست. اینجا چیزی است که می‌خواهم آن را درک کرده و به خوبی متوجه شوید. می‌بینید، خدا درست در اینجا از کار، بین یهودیان دست کشید. چون خدا همیشه در بین اسرائیل بعنوان یک قوم کار می‌کند. اسرائیل یک قوم است، و امت‌ها هم یک قوم هستند، و او می‌بایست از بین امت‌ها برای نام خویش قومی برمی‌گرفت. تا چند دقیقه‌ی دیگر به آن می‌پردازیم.

ولی اکنون، در این هفت دوره‌ی کلیسا که ما در زمان امت‌ها از آن گذر کرده‌ایم، از زمان مصلوب نمودن مسیح تا پایان دوره‌های کلیسا... حال، دریافته‌ایم که درحال عبور به سمت پایین بوده‌ایم. اکنون، درحال رسیدن به جایی هستیم که می‌توانیم به، به، به هفت مهر، هفت پیاله و هفت کرنا وارد شویم که تمام آنها با یکدیگر یک تصویر را می‌سازد و روشن می‌کند که، تمام کار خدا با یهودیان و داوری مردم بر زمین و... چگونه است.

۱۰۳- به یاد داشته باشید، در زمان این جفاها، میلیون‌ها نفر از امت‌ها که بازمانده‌ی ذریت زن و باکره‌های نادان هستند و عروس را رد نمودند، خواهند مرد. او مستقیماً به آن سمت درحال حرکت است. این دقیقاً به همان روشنی و وضوحی است که هفتاد

هفته واضح و روشن است، و آنها از آن عبور می‌کنند. پس اگر روح‌القدس را نیافته‌اید، بهتر است به هر سرعتی که می‌توانید آن را بدست آورید. ما در زمان آخر هستیم.

اکنون توجّه کنید، هفت دوره‌ی کلیسا... حال، نیازی نیست که به آنها بپردازم چون نوار آن موعظه‌ها موجود است و از روی کتاب‌ها و چیزهای مختلف دیگری تهیه شده و زمانی هست که، که خدا هرگز نگفته چند روز و چند ساعت و یا چند سال خواهد بود. او هرگز چیزی در این مورد نگفته است. او گفته است: "تا زمان امت‌ها به اتمام رسد." تا زمانی که... حصارها تخریب شود، تا زمانی که خدا دست از کار در میان امت‌ها بکشد.

۱۰۵- حال متوجّه می‌شویم که در خلال این دوره‌ها، روح‌القدس را داشته‌ایم، و آن وقت خدا، آنجا در ابتدا، در انکار مسیح شروع کرد به گفتن... خدا دقیقاً آنچه را که می‌بایست در خلال سلطنت امت‌ها رخ می‌داد، به یوحنا نشان داد. حال، شما هیچ زمان محدود و مشخصی را مثل یهودیان در اختیار ندارید، ولی ما یک نشانه داریم. ما یک علامت راهنما داریم. خوب، خدا دقیقاً مطابق آنچه که گفته بود انجام خواهد داد، در این شصت و نه هفته یا ۴۸۳ سال با آنها انجام داد، ولی در شصت و نه هفته و کماکان یک هفته باقی مانده است. هنوز یک هفته از آن مقدر نگشته است.

حال، چون الان زمان امت‌ها است ما نمی‌توانیم این را به کلیسا ربط بدهیم. چند نفر این را فهمیدند؟ حال این از ابتدا تا باب سوم کتاب مکاشفه است که ما را تا کلیسای لاودیکیه می‌برد. حال، ما دقیقاً می‌بینیم که تمام کلیسا در چه وضعیتی است، خود کلیسای جهان، خدا هرگز گناهکار و عادل را با هم قرار نداده، مگر اینکه بخواید نجات دهد. ولی کلیسای جهان تماماً سفید پوش بود تا زمانی که نقولایان آمدند که می‌خواستند یک شکل تشکیلاتی داشته باشند. شخصیت‌های برجسته و روشنفکران به آن وارد شدند. این زمانی که شورای نیقیه را برپا کردند، در نیقیه‌ی روم اتفاق افتاد. آنها چه کاری انجام دادند؟ کلیسا را سازماندهی کردند و بعد از آن به آزار و شکنجه‌ی

مسیحیان پرداختند. سپس در دوره‌ی بعدی کلیسا، تقریباً تمام مسیحیت، در راه تعمد روح‌القدس محو گردید.

۱۰۷- ولی همان‌گونه که می‌دانید، چنان‌که من در تاریخ به عقب برگشتم، پدران نقیه‌ای و پسانیقیه‌ای و تمام تواریخ کلیسا و قدیمی‌ترین متون دست‌نویس که توانسته‌ام پیدا کنم، تمام آنها اثبات کرده‌اند کلیسایی که خدا از آن صحبت کرده، آن کلیسای تشکیلاتی کاتولیک و یا هیچ تشکیلات دیگری نیست. خدا در حال صحبت از یک... و تمام آن ستاره‌های عظیم دوره‌ها مردانی بودند که تعمد روح‌القدس، تعمد به نام عیسی مسیح، آمدن روح خدا، صحبت به زبان‌ها، ترجمه‌ی زبان‌ها، شفاها و معجزات را می‌شناختند. این چیزی است که خدا تعیین نموده است. او نمی‌تواند ذهن خویش را تغییر دهد و بگوید: "خوب، این مقصود من از یک کلیسا است، کلیسای رسولانی، اکنون تفکر من یک کلیسای مشهور است." خدا تغییر نمی‌کند. هنوز روح‌القدس است.

و ما هنگامی که کلام او را حاضر می‌سازیم و طبیعت خدا را می‌بینیم، سپس تاریخ را می‌بینیم که که نشان می‌دهد این کلام دقیقاً در نقطه، تاریخ، زمان و هر چیز دیگری که خدا توسط یوحنا گفته است که باید واقع شود، برای آن دوره‌ی امت‌ها رخ داده است.

۱۰۹- اینک، ما خود را فراتر از هر سایه‌ی شک و تردید در دوران لائودیکیه می‌بینیم. می‌دانیم که چنین است. ما از دوران لوتر عبور نموده‌ایم، اکنون آخرین دوره است و می‌بینیم که هریک از آن کلیساها یک پیغام‌آور داشته‌اند. این را متوجه می‌شویم. هفت ستاره در دست او که هفت روح در حضور خدا بودند. هریک، یک پیغام‌آور داشت، و زمانی که به کتاب‌مقدس مراجعه می‌کنیم متوجه می‌شویم که هریک از این پیغام‌آوران باید چه مشخصاتی داشته باشند و در تاریخ آن مردی را که دارای این مشخصات و طبیعت باشد را برمی‌گزینیم. و سپس هنگامی که آن مرد را که دارای این مشخصات بود در تاریخ یافتیم، متوجه می‌شویم که روح و آن مرد چه کرده‌اند. سپس متوجه می‌شویم

که روح‌القدس بوده است که ایرنیوس، سنت کولومبوس و تمام آن مقدّسین را پر نموده است. و از طریق کتاب‌مقدس این را می‌دانیم که آن روح می‌بایست در همان زمان بر آن مرد قرار می‌گرفت. اینجاست، پس نمی‌تواند اشتباه باشد. آمین! جلال بر خداوند!

۱۱۰- نمی‌دانم برادر! این برای من بیش از هر چیز دیگری که می‌شناسم و می‌دانم ارزش دارد. می‌بینید؟ چون این خود کلام خداست که سخن می‌گوید. وقتی می‌شنوم که خدا چیزی می‌گوید، می‌گویم: "آمین! درست است. خدا چنین گفته است." خوب، خدا گفته است که آن به این صورت انجام شد و ما این را در تاریخ و کتاب‌مقدس پیدا می‌کنیم. ما در مورد این دوره‌ی کلیسا خوانده‌ایم، چه خواهد کرد، چه باید رخ دهد، و اینکه این دوره باید چه پیغام‌آوری داشته باشد. "به فرشته‌ی کلیسای لائودیکیه..."، "به فرشته‌ی کلیسای ساردس، طباطیرا... " تمام آنها متفاوت بودند. ما در تاریخ به عقب برمی‌گردیم و پیغام‌آور آن زمان را می‌بینیم و متوجه می‌شویم که او چه کسی بود. بعد وقتی این کار را انجام دادیم، نام آنها را زیر آن دوران می‌گذاریم و آنها آنجا هستند. می‌بینید؟ می‌دانیم که دقیقاً به همه چیز اشاره می‌کند.

۱۱۱- حال... و ما می‌دانیم که خدا همیشه برعلیه تشکیلات مذهبی بوده و هست. بله آقا! او گفته است: "نقولویان چیزی است که از آن نفرت دارم." "نقو"^{۳۵} به معنی «غلبه بر عوام» می‌باشد. عوام، عوام یعنی کلیسا، بدن. نقو یعنی «غالب آمدن، برتری یافتن». به عبارت دیگر، یک مرد مقدّس یا یک نفر را بالاتر از این گذاشتن. همه‌ی ما فرزندان هستیم؛ ما یک پادشاه داریم، آن هم خداست. یک سرور داریم، آن هم خداست. آمین! و او به شکل روح‌القدس در بین ماست. اوست که قدوس است.

حال، همین‌طور پایین می‌آییم تا کاملاً به اطمینان برسیم که تا گذر از دوره‌ی یهودی، آنها دقیقاً از روی تاریخ، توسط تقویم و سال نبوتی خدا شصت و نه هفته را داشته‌اند که

تاریخ نبوتی از عهد قدیم به جدید آمده و نشان می‌دهد که این دقیقاً همان است. می‌بینید؟ حال، ما از آغاز آخرین روز از آن شصت و نه هفته به کلیسای اَمّت‌ها رسیده‌ایم و می‌دانیم که در ایام آخر زندگی می‌کنیم. آمین! متوجه می‌شوید؟

حال، اگر ما امروز در آخرین روز از پایان این دوره زندگی می‌کنیم، پس کجا هستیم؟

۱۱۳- به اینجا توجه کنید... این خطی را که اینجا کشیده شده است می‌بینید، جایی که خدا در بین یهودی‌ها عمل می‌کرد، یا هرگز کار نمی‌کرد، چهل سال زمان برد تا... چهل سال زمان برد تا آنها را در شرایطی قرار دهد که در بین تمام اَمّت‌ها پراکنده گردند. در سرتاسر دوران اَمّت‌ها، او می‌بایست قبل از اینکه کلام خود را واقع سازد، آنها را در چنین شرایطی قرار دهد. می‌دانید منظورم چیست؟ هر کس متوجه می‌شود یک «آمین» بگوید. [جماعت می‌گویند: "آمین!"] می‌خواهم مطمئن شوم که متوجه شده‌اید.

حال، چه اتفاقی افتاده است؟ به این بالا روی نمودار، به بالاترین نقطه‌ی آخرین دوره‌ی کلیسا نگاه کنید. آن کشش کوچک را می‌بینید؟ ایام اَمّت‌ها رو به اتمام است. زیرا در چهل سال اخیر یهودیان در حال بازگشت به اورشلیم بوده‌اند، در حال بازگشت به وطن خود بوده‌اند. می‌دانید که کجا هستیم؟ از زمان منقطع شدن مسیح تا زمانی که تیطس معبد را تخریب و یهودیان را پراکنده ساخت، چهل سال طول کشید. یک چهل سال دیگر هم بوده است که خدا قلب تمام فرعون‌ها را در هر مکانی سخت نموده تا یهودیان را به وطن خود بازگرداند. ولی امروز آنها دوباره به سرزمین خویش بازگشته‌اند و کلیسا در انتها است. آمین! اوه، من، من تلاش می‌کنم که...

۱۱۵- توجه کنید، یهودیان در وطن خویش هستند و در حال بازگشت... اگر به کتاب «پایان جنگ جهانی» جلد دوم مراجعه کنید، می‌بینید هنگامی که ژنرال آلن بی^{۳۶} بعد از

جنگ جهانی اول به اورشلیم حمله و آن را تصرف کرد، مردان مسیحی با کلاه‌های برداشته از سر در شهر رژه رفتند، تا آنها، ترک‌ها، بدون شلیک حتی یک گلوله تسلیم آن‌بی شوند. از آن زمان به بعد خدا رفت تا قلب موسولینی، قلب هیتلر، قلب استالین و قلب تمام آن مردان را در تمام کشورها سخت سازد، تا از یهودیان متنفر شوند و سپس آن پرندگان عظیم که پان آمریکن یا هرچیز دیگری نامیده می‌شوند... آن پرندگان غول آسا برای بردن آنها در آنجا پایین آمدند، این در مجله‌ی «لایف» موجود است. به گمانم درست در سه یا چهار سال گذشته، خدا درحال بازگرداندن یهودیان به وطن خویش می‌باشد که برای دوهزار سال، یعنی مدتی که امت‌ها در حال مهیّا شدن بودند، از آن دور بودند. و اینک بر طبق باب سوم کتاب مکاشفه، امت‌ها مسیح را بیرون از کلیسا گذاشته‌اند. او حتی نمی‌تواند به کلیسای خویش بازگردد. جایی برای رفتن او باقی نمانده است. او رد شده است و اینک زمان ربوده شدن است.

تمام فدیہ شدگان در اینجا... این نقطه‌های کوچک مانند این، بالا رفتن مقدّسین در ایّام آخر است. می‌دانید، همه‌ی ما درست در همین جا با یکدیگر ملاقات می‌کنیم. کتاب مقدس گفته است: "ما که زنده (یک گروه کوچک باقی مانده است) و تا آمدن خداوند باقی باشیم، بر خوابیدگان سبقت نخواهیم جست." ^{۳۷} سرتاسر اینجا، اینجا و اینجا...

۱۱۸- حال، برادران پنطیکاستی! چطور می‌توانید سرتاسر اینجا را به دوره‌ی کلیسای لاؤدیکیه نسبت بدهید؟ آنها، آنها در خلال هریک از این دوره‌ها به خواب رفته‌اند و در انتظارند. "ما که زنده و تا آمدن خداوند باقی باشیم، بر خوابیدگان سبقت نخواهیم جست. زیرا خود خداوند با صدا و با آواز رئیس فرشتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد و مردگان در مسیح اول خواهند برخاست. آنگاه ما که زنده و باقی باشیم، با

ایشان در ابرها (آمین!) رבוته خواهیم شد (ما اینجا هستیم، همین جا همدیگر را ملاقات می‌کنیم). تا خداوند را در ابرها ملاقات کنیم." ^{۳۸} آمین! ما کجا هستیم؟ درست همین جا. مسیح کجا منقطع شد؟ دقیقاً جایی که کلام گفته بود. آن هفتادمین هفته کجا آغاز خواهد شد؟ دقیقاً بعد از اینکه کلیسا منقطع شده باشد. آنگاه خدا به سمت یهودیان بازگشت می‌کند.

آیا نمی‌دانید به محض اینکه کلیسا، کلیسا برود، آن وقت یهودیان وارد می‌شوند. اما اول، کار بعدی در این رابطه یک بیداری بزرگ در بین امت‌ها نیست. کار بعدی آمدن پادشاهی خداست. آمدن مسیح.

۱۲۰- حال اگر بخواهید، الآن می‌توانیم به باب دوم دانیال آیات ۳۴ و ۳۵ برگردیم. زمانی که رویا به دانیال داده شد، دانیال ۲: ۳۴ و ۳۵، زمانی که رویا به دانیال داده شد که ایام قوم او در زمانی معین به انتها می‌رسد و دید که امت‌ها وارد می‌شوند، و در اینجا بود که رویای آن سنگ بزرگ را دید، و مجسمه‌ی بزرگ و عظیم که سری از طلا و سینه‌ای از نقره داشت، اکنون نگاه کنید، دشوارتر می‌شود، نقره به طلا، بعدی چیزی از آهن یا چیزهایی از برنج و بعد پاهایی از آهن. اما انگشتان پا، ده انگشت پا بود که از آهن و گل بود و او گفت: "چنان که دیدی آهن با گل ممزوج نمی‌شود. این حکومت‌ها نیز با یکدیگر ملصق نخواهند شد. لیکن، آنها ذریت خود را با یکدیگر ملصق ساخته و تلاش خواهند کرد که قوت دیگری را پایمال کنند." می‌بینید؟

۱۲۱- حال، چه اتفاقی رخ داده است، آن سر، نوک‌نصر بود که دانیال خواب را برایش تعبیر می‌کرد. او گفت: "و بعد از تو سلطنتی دیگر پست‌تر از تو خواهد برخاست." که آن، داریوش پادشاه مادی بود که آن سلطنت را به پایان رسانید، و بعد از ماد و پارسیان چه چیزی آمد؟ یونانیان، اسکندر و سایرین، یونانیان سلطنت را در دست گرفتند. بعد از غلبه‌ی

^{۳۸} اول تسالونیکیان باب ۴: ۱۵-۱۷

یونانیان چه کسی آمد؟ رومیان، و از آن زمان تا بحال چه کسی بر دنیای امت‌ها فرمانروایی می‌کند؟ رومیان، رومیان. حال، این همان آهن است.

پس توجّه کنید، روم تا به انتها وجود دارد، زیرا این در انگشتان پا قرار گرفته بود، و او گل را دید، گل و... این قوم است، چیزی که ما از آن ساخته شده‌ایم، گل و آهن، قوّت روم که در هر یک از امت‌ها اجرا شده است. و روم بر هر امتی زیر آسمان قوّت و قدرت دارد.

۱۲۳- تنها یک نفر در تمام جهان وجود دارد که می‌تواند بدون گفتن حتّی یک کلمه یک جنگ را شروع و یا تمام کند، آن هم پاپ است. چه می‌شود اگر او بگوید: "هیچ کاتولیکی سلاح در دست نگیرد." برادر! آیا او این کار را انجام می‌دهد؟ با هر کس که می‌خواهید صحبت کنید. بزرگ‌ترین بخش مسیحیت، کاتولیک است. می‌بینید؟ بسیار خوب.

کافی است که فقط یک کلمه بگویید، همین کافی است. آنها، این شبیه به چیزی است که آنها اینجا گفتند و بعداً به آن می‌پردازیم. چه کسی قادر است که با وحش به جنگ پردازد؟ چه کسی می‌تواند مانند او سخن بگوید؟ چه کسی می‌تواند این کار را بکند؟ "بیایید تمثال وحش را بسازیم." این کنفدراسیون کلیساهاست، یک تمثال شبیه این را می‌سازد. می‌بینید؟ کنفدراسیون فرقه‌ها با یکدیگر، که هم اکنون آنها آن را به انجام رسانیده‌اند. اوه، ما درست در انتها هستیم. دوستان! این تمام چیزی است که باقی مانده است. ما اینجا هستیم، در پایان. می‌بینید؟ "بیایید تمثال وحش را بسازیم." چیزی شبیه به این. تمثال یعنی چیزی که شبیه به چیزی دیگر باشد. می‌بینید؟ حال، ما در زمان آخر هستیم.

۱۲۵- اکنون، در اینجا به پایان این دوره توجّه کنید... حال، دانیال در باب دوم آیات ۳۴

و ۳۵، او با دقت به این تمثال نگاه می‌کرد. او آن را ملاحظه کرد تا زمانی که سنگی بدون دست‌ها از کوه‌ها جدا شده و آهن و برنج و نقره و طلا را خرد کرد... نه... این هرگز به سر آن تمثال برخورد نکرد، آن سنگ به پای تمثال اصابت نمود. این زمان آخر بود، آن ده انگشت پا.

حال، شما در اینجا دقیقاً توجه کرده بودید قبل از اینکه آقای آیزنهاور...^{۳۹} آخرین پروتستان آمریکا در مقام ریاست جمهوری، که من شک داشتم کس دیگری هم بوده باشد، زمانی که... فقط برای اینکه این مسئله را روشن کنم و قوم بیدار شود؛ زمانی که او آخرین ملاقات خود را از روسیه انجام داد، آنجا پنج کشور غربی و پنج کشور کمونیستی حاضر بودند. آقای خروچف^{۴۰} بعنوان سرِ کشورهای شرقی و آقای آیزنهاور بعنوان سرِ کشورهای غربی حاضر شده بودند. تا جایی که می‌دانم و به من گفته شده است در زبان روسی خروچف به معنای «گل» و آیزنهاور نیز در زبان انگلیسی به معنای «آهن» می‌باشد. این آهن و گل شماسست که با یکدیگر ممزوج نمی‌شوند. اما در دوران امپراطوری آنهاست که آن سنگ بدون دستان از کوه جدا شده و پای آن تمثال را مضروب نمود.

۱۳۰- حال، نشان عظیم. ما این را می‌دانیم... حال این اندازه‌ی هرم را متوجه نمی‌شویم، اما همان‌طور که در این اواخر به شما گفتم، در بعضی از تعالیم که در پیش است، آن وقت شما می‌بینید که همه‌ی اینها در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند...

حال، آغاز هرم و در نقطه‌ی پایین نمایانگر کلیسا بود، گسترده و وسیع، هرچقدر که به نوک هرم نزدیک می‌شد، مدام باریک‌تر می‌شد.

حال، متوجه می‌شویم که این به همان نوک می‌رسد و هرگز آن را تکمیل نکردند. چرا؟

چرا؟ می‌خواهم بدانم چرا؟ زیرا کتاب مقدس می‌گوید که سنگ زاویه رد شد. آنها رد شده بودند.

۱۳۳- دوره‌های کلیسا... با دقت گوش کنید. این را از دست ندهید. دوران کلیسا از شروع اصلاحات می‌آید، لوتر، بعد از زمانی که سنگ‌های بنا که تعلیم رسولان بود، گذاشته شده بود. سپس این را می‌بینیم که در طول زمان و از دوره‌ای به دوره‌ای دیگر، کلیسا بیشتر در اقلیت قرار گرفت تا زمانی که به جایی رسید که لوتر عادل شمردگی را موعظه نمود. در آن زمان اگر شما به مسیحی بودن اعتراف می‌کردید، شما را می‌کشتند، ایام شهادت، شهیدان.

حال، می‌بینیم که در دوران جان وسلی اگر شما مسیح را اعتراف می‌کردید، شما را یک دین خروش می‌نامیدند، این هم شیوه‌ی جدیدی بود. زمانی که وسلی و آزبوری^{۴۱} به اینجا آمدند، در آمریکا جلساتی را برگزار نمودند، تاریخ خود را مطالعه کنید، آنها را در مدارس پذیرا شدند، چون کلیساها نمی‌توانستند پذیرای آنها باشند. و نهایتاً آنها به جایی رسیدند که روح‌القدس می‌توانست بر آنها بریزد و آنها بر زمین می‌افتادند. مردم آب روی صورت آنها می‌پاشیدند و با پنکه آنها را خنک می‌کردند. چون تصور می‌کردند که آنها غش کرده‌اند. من شخصاً در طی پنجاه سال در جلسات این‌گونه حاضر بوده‌ام و دیده‌ام که آنها تحت قدرت روح‌القدس آن چنان بر زمین می‌افتادند و این دست مسائل. متدیست آزاد قدیمی، چندین سال قبل.

۱۳۵- بعد از معتقدات آن عصر، عصر وسلی، دوران پنطیکاست و تعمید روح‌القدس فرا رسید. می‌بینید؟ در تمام زمان، شما در حال سازمان یافتن هستید. حال یادتان باشد که آن سنگ هنوز بر آن قرار نگرفته بود. چرا؟ آنها کلیسا را دقیقاً سازماندهی نمودند.

حال، خدمت از لوتر تا پایان پنطیکاست در آن اقلیت کوچک... به همین دلیل است که در این تقویم، در این نمودار، در این دوره، نور در حال خروج است. این دوره‌ی پنطیکاست است، پنطیکاست، نه، نه، فرقه‌ی پنطیکاستی، چون آنها دقیقاً مانند لائودیکیه عمل کرده‌اند. لائودیکیه‌ای هستند. ایشان به نقولایان تمایل داشته‌اند. سازمان یافته شده‌اند، اما کلیسای راستین خدا در سرتاسر دنیا طوری شکل گرفته و به جایی رسیده است که در میان آنها خدمتی دقیقاً مانند خدمت عیسی مسیح دیده می‌شود. حال، آنها چه یافته‌اند؟ کار بعدی چیست؟ این صخره‌ی رد شده که از کوه جدا گشته است، چه چیزی کم دارد؟ دستان. خدا آن را فرستاد. این را می‌دانید؟ همان که رد شده است، سنگ رد شده، سر است، بالاترین نقطه، و در این دوران امت‌ها همان کسی که رد نموده‌اند، مسیح است. مسیح بعنوان یک شخصیت بزرگ یا یک کشیش در کلیسا قرار نگرفته است. او روح‌القدس است و آن نوک هرم، آمدن مسیح خواهد بود. متوجه می‌شوید؟

۱۳۷- حال، چون آنها در صورت... می‌بینید این حالت را چطور مثل یک هرم رسم نموده‌ام؟ برخاستن مقلّسین، رفتن به جلال را در پی دارد. اکنون این را متوجه می‌شوید؟ مسیح، سنگ زاویه، سنگ رد شده، درست به همان صورتی می‌آید که کتاب مقدس گفته است... و دانیال گفت که این دوره‌ی امت‌ها را دیده است تا هنگامی که سنگ از کوه جدا شد. آن سنگ بدون دستان جدا گشته بود. این دست خداست که سنگ را جدا کرد. متوجه می‌شوید؟ و این چه کاری را انجام داد؟ این سنگ درست از جانب پا آن تمثال را زد و آن را بر زمین زده و خرد کرد. هلولیاه! در زمان آمدن آن سنگ چه رخ داد؟ کلیسا در ربه‌ی شدن به جلال رفت، زیرا زمان مقدر شده‌ی امت‌ها به اتمام رسید.

۱۳۸- باید بعضی از افراد باشند که به کلیسا بیایند، مثلاً یک مرد و همسرش که کتاب مقدس را بردارند و با هم این سرود را بخوانند:

اوه، آن صخره را چشم در راهم
که آن بابل را درهم کویید

(همه راضی هستید که بگویید؟)

چشم انتظار آن صخره
که آمد و بابل را درهم کویید

ایناهاش. مسیح آن صخره است، او از انسان زاده نشد، او از خدا توگلد یافت. او به دنبال کلیسایی می‌آید که از روح‌القدس توگلد تازه یافته است، زیرا قوت آن سنگ بنا، مانند یک آهن ربا در تمام کلیسا فعال است.

۱۴۰- یادم می‌آید زمانی که آن کارخانه‌ی خارج از شهر قصد داشت تا ضایعات خود را دور بریزد، آنجا بودم و نظاره می‌کردم. آن آهن ربای بزرگ و عظیم الجثه از بالا می‌آمد و همه‌ی آنها را بلند می‌کرد، چون برای این کار مغناطیسی شده بود. ما نیز باید برای آن سنگ بنا مغناطیسی بشویم. آن سنگ روح‌القدس است؛ مسیح. هریک از ما که مغناطیس روح‌القدس را یافته باشد، هنگامی که آن سنگ به تمثال اصابت می‌کند، از آن فاصله خواهد گرفت. در بازگشت به جلال، او در ربوده شدن مقدسین به بالا برده خواهد شد.

۱۴۱- اکنون اینجا را ببینید. می‌دانیم که اکنون چهل سال است که یهودیان در حال بازگشت به اسرائیل هستند، یعنی درست به همان اندازه‌ای که طول کشید تا در زمان تخریب معبد از آنجا پراکنده شوند. از زمان بازسازی و ساخت یک معبد دیگر چهل سال طول کشیده است که بازگردند. می‌بینید، ما دقیقاً در پایان راه هستیم. خوب...

حال بیایید... کلیسا را می‌بینیم، آمدن صخره. بیایید آخرین دوره را ببینیم. ما همین طور

پیش رفتیم و دیدیم که چگونه... به گمانم در این مورد، یادداشت‌هایی را اینجا داشته باشم. بیا یک دقیقه به آن نگاه کنیم: "و آن رئیس که می‌آید، که ضد مسیح است، با یهودیان یک عهد خواهد بست،" به گمانم در دانیال باب ۷ و یا ۹ آیه‌ی ۲۷ باشد: "و در وسط یک هفته، یعنی سه سال و نیم، وحش یک عهد خواهد بست... اندکی بعد می‌خواهم به آن پردازم. آن عهد، می‌خواهیم که... می‌خواهم از همین جا آغاز کنم.

۱۴۳- بدون تردید هر یک از دوره‌های امت‌ها با پیغام‌آورانشان اثبات شده‌اند، از پیغام و چیزی که رخ داده است. این دوره در اینجا یک دوره‌ی باشکوه بود. در دوره‌ی بعدی، «دوم» گفته شده است که تعلیم لازم است، یا آنچه که «اعمال نقولویان» خوانده شده است. پس به مرحله‌ی بعدی می‌رسد که یک تعلیم است. سپس می‌رسد به ازدواج کلیسای نقولوی و جفای مقدسین. همه چیز به همان صورت رخ داده است. می‌رسیم به بعدی، وجود فقط اندکی نور. "اندک قوتی یافته‌ای، و نامی که به آن زیست می‌کنی، ولی مرده‌ای. از آنچه که هستی قوی‌تر باش و آلاً به زودی نزد تو می‌آیم و چراغدانان را از مکانش نقل می‌کنم."

۱۴۴- در امتداد آن، وسلی و عصر او آمد. دقیقاً می‌دانیم که عصر وسلی کدام دوره است... چه نامیده می‌شد؟ فیلادلفیه، عظیم‌ترین دوره‌ی محبت که تابحال داشته‌ایم، عصر فیلادلفیه. درست... درست در زمان جان وسلی بود... زمانی که او و آن عصر دیگر وجود نداشت، پنطیکاست آغاز گشت و آن، همان دوره‌ی فاطر بود. سپس برمی‌گردیم و می‌بینیم که باید چه پیغامی به پنطیکاست می‌رسید... بخاطر داشته باشید، هر یک از آنها در انتهای دوره آمدند. پولس در انتها آمد، سایر آنها نیز به همین ترتیب در انتهای هر دوره آمدند، ایرنیوس و سایر آنها. عصر هر یک از آنها به دیگری منتقل گردید؛ و آن را گرفته و با آن به عصر بعدی حرکت نمود. می‌بینید؟

۱۴۵- اکنون می‌بینیم که در این دوره ستاره‌هایی وجود دارند، ما اینها را اینجا می‌بینیم،

ما یک ستاره‌ی پیغام‌آور داریم. یک پیغام که در دوره پیش می‌رود، قومی برای رد کردن آن و قومی برای پذیرش آن، و پیغام‌آور این دوره می‌بایست که با قوت الیاس می‌آمد. درست است. او می‌بایست ایمان فرزندان را به ایمان پدران بازمی‌گرداند. یعنی بازآوردن بازمانده‌ی پنطیکاستی که در ایمان راستین رسولانی باقی مانده است.

حال، ایمان رسولانی راستین... این را در کتاب اعمال بخوانید. متوجه خواهید شد که هرگز یک بار هم کسی نبوده است که به نام پدر، پسر و روح‌القدس تعمید گرفته باشد. هرگز حتی یک نفر هم تعمید آب پاش نگرفته است، و یا سایر چیزهای مشابه این. هیچ یک از این دست مسائل که ما امروزه آن را پنطیکاست می‌نامیم در آن زمان رخ نداده است. آنها ظهور راستین و روح خدا را داشتند، که بدون تردید پسر خدا بود و در بین آنها کار می‌کرد. فردی که می‌بایست می‌آمد... این پیغام که می‌بایست پیش می‌رفت، باید مانند ایلّیا می‌بود. ایلّیا باید سه بار می‌آمد. حال، شما می‌گویید: "یوحنا‌ی تعمید دهنده همان فرد است." اگر توجه کنید، می‌بینید که عیسی گفت یوحنا‌ی تعمید دهنده، پیغام‌آور ملاکی باب ۳ است و نه ملاکی باب ۴. "اینک من رسول خود را پیش روی تو می‌فرستم..." به گمانم در متی باب ۱۱ باشد. همان‌جا این را خواهید یافت. متی باب یازدهم.

۱۴۷- حالا، ولی در ایّام آخر باید روح ایلّیا بین قوم بیاید و باید همان اعمالی را انجام دهد که آنها در آن زمان انجام می‌دادند. طبیعت آن باید همان باشد، طبیعت کلیسا. طبیعت آن فرد دقیقاً همان خواهد بود، و پیغامی که داده می‌شود... او از جانب قوم مورد تنفر قرار می‌گیرد. منتقد زنان و... دوستدار بیابان، فردی که دائماً آشفته است. درست آن‌گونه که ایلّیا و یوحنا‌ی تعمید دهنده بودند و دیده‌ایم که همه‌ی اینها واقع شده است. پیغام را داشته‌ایم و دیده‌ایم که مسیح رد شده است. او می‌بایست وابسته به یکی از این تشکیلات باشد و یا هرگز نمی‌تواند به آنها وارد شود. پس، پس بیرون انداخته شده است. می‌بینید؟ مسیح نمی‌تواند بین آنها کار کند.

- "تو چه هستی؟"
- "یک مسیحی."
- "عضو کدام فرقه هستی؟"
- "عضو هیچ کدام نیستم."
- "نمی‌توانیم از تو استفاده کنیم."

می‌بینید؟ او مطرود شده است. مسیح طرد شده است. ایلیا هم طرد شده بود، یوحنا ی تعمید دهنده هم به همین صورت. اما آیا این باعث ناراحتی آنها شد؟ آیا این پیغام آنها را مختل نمود؟ مردم می‌گفتند: "اوه، این کله شق‌ها" آنها هیچ خجالتی نداشتند و به کار خود مشغول بودند. و پیغام خدا فارغ از اینکه دیگران چه می‌گویند، به حرکت خود تا به کمال ادامه می‌دهد. می‌بینید؟ و زمانی که آنچه مقدّر گشته جاری شود، آن وقت در انتها هستیم.

۱۴۹- حال، خود را درحالی می‌بینیم که چهل سال از جنگ جهانی گذشته است و یهودیان به سرزمین خود بازگشته‌اند. خدا هرگز با اسرائیل سروکاری نداشت تا زمانی که او در سرزمین خود باشد.

یادتان می‌آید که یهودیان در حال بازگشت به اسرائیل بودند، از سرتاسر دنیا، مجله‌ی لوک^{۴۲} مقاله‌ای را در این زمینه منتشر نمود که من خلاصه‌ی آن را در یک روزنامه‌ی مذهبی خواندم. مقاله در مورد زمانی بود که هواپیماها برای سوار کردن این یهودیان به ایران رفته بودند... نمی‌دانم که همه‌ی آنها کجا بودند. پراکنده بودند. آنها یهودیان راستینی هستند که هرگز فرصتی را بدست نیاوردند. حال، حال برادر! آن ۱۴۴۰۰۰ نفر در اینجا قرار دارند. زمانی که به مکاشفه باب ۱۱ برسیم آن را خواهید دید. او گفت: "۱۲۰۰۰ نفر از طایفه‌ی اشیر، ۱۲۰۰۰ نفر از رثوین، دوازده هزار نفر از... و همه‌ی آنها

کجا ایستاده‌اند؟ بر کوه سینا، یهودیان به وطن خود بازگشته‌اند. آنها آنجا بودند. آنها این گروه متقلّب ساکن در وال استریت نبودند. خیر آقا! بلکه یهودیان واقعی بودند.

زمانی که آن ربّی پیر آنجا ایستاده بود و فرود این هواپیماها را نظاره می‌کرد... این را در مجله‌ها می‌خوانید. آن یهودیان، آنها هنوز با گاوآهن‌های چوبی مشغول شخم زدن بودند و زمانی که این اجسام غول پیکر را می‌دیدند که در آنجا فرود می‌آیند، به آن نزدیک نمی‌شدند. آن ربّی پیر می‌گفت: "یادتان باشد که نبی ما گفته است: زمانی که به وطن خود بازگردیم بر بال‌های عقاب برده خواهیم شد."

امت‌ها در حال شکستن هستند

اسرائیل در حال بیداری است

نشانه‌هایی که نبی پیشگویی نمود...

ما در حال ورود، در حال رسیدن به آن هفتادمین هفته هستیم.

۱۵۲- با خود به زمانی فکر می‌کردم که پطرس عهدنامه‌های آنها را آنجا فرستاده بود و آنها را می‌خواندند. آنها می‌گفتند: "خوب، اگر این ماشیح است، بگذار ببینیم که اگر زنده است و نمرده است، آیا اعمال نبی را به جا می‌آورد؟" آنها می‌گفتند: "اگر دوباره برخاسته و در کلیسای خویش زندگی می‌کند، بگذارید ببینیم که اگر نشانه‌های نبی را به جا می‌آورد، به او ایمان بیاوریم." یهودیان همیشه به این ایمان دارند. آنها می‌دانند که ماشیح می‌بایست نبی بوده باشد.

یک روز زمانی که در کنار برادر آرگانبرایت^{۴۳} ایستاده بودم، جایی که یهودیان آنجا جمع شده بودند، آنها می‌گفتند: "به کشور ما بیایید، به میان قوم ما بیایید."

من گفتم: "حتماً، این باعث افتخار من است." خیلی سریع تصمیم گرفتم و به قاهره در مصر رفتم. هنگامی که بلیط خود را برای رفتن به اسرائیل تهیه کردم، آنها داشتند برای ملاقات با من آماده می‌شدند. من به آنها گفتم: "بروید و چندین هزار نفر را جمع کنید و یا آنها را با هواپیما به جایی بیاورید، در آنجا متوجه خواهیم شد که آیا او نبی است یا خیر؟ خوب، ببینم او چه خواهد کرد." آمین! او، این درست آنجا و در دستان آنها بود. این چیزی بود که خواستار آن بودند. اگر می‌توانستند ببینند به آن ایمان می‌آوردند.

۱۵۶- بعد من چه کار کردم؟ رفتم به قاهره و حرکت خود را به سمت اسرائیل آغاز نمودم. بلیط خود را تهیه کردم، تنها بیست دقیقه به پرواز مانده بود، چیزی به من گفت: "الآن نه. جام شرارت امت‌ها هنوز پر نگشته است. هنوز اموریان واقع نشده است. از آن فاصله بگیر." ابتدا فکر کردم این به نظر من رسیده و تنها تصور من بوده است. پس رفتم به یک گوشه و شروع کردم به دعا کردن. صدا دوباره گفت: "از آن فاصله بگیر." سپس بلیط خود را به مقصد دیگری تعویض نمودم و به آنجا رفتم، چون هنوز زمان آن فرا نرسیده بود.

حال، اینکه چه زمانی خدا می‌خواهد دوباره یهودیان را فراخواند، من نمی‌توانم به شما بگویم. من خبر ندارم. هیچ‌کس این را نمی‌داند. ولی گوش کنید. اسرائیل هم‌اکنون در وطن خویش است، هم‌اکنون... تمام صخره‌ها فراهم شده‌اند و نهرها و رودها و... هرچه خدا وعده داده است. آنها به تمام جریان‌ها و آب‌ها و... دست یافته‌اند. آنجا زیباترین جایی است که تابحال دیده‌اید. آنها یک شهر در آنجا ساخته‌اند. آنها بهترین زمینی که در جهان وجود دارد را در اختیار دارند و می‌بینیم که همان‌جا در کنار دریای مرده منابع بی‌شماری وجود دارد که برای خریدن تمام دنیا کافی است. می‌بینید؟

۱۵۸- همه چیز در دستان ایشان قرار گرفته است. آنها چطور این کار را کرده‌اند؟ چون قلب هیتلر سخت گشته بود. قلب موسولینی سخت گشته بود. درست همان‌گونه که قلب

فرعون سخت گشت و آنها را به سرزمین خود بازگرداند، و ایشان در طول چهل سال به سرزمین خود رجعت نموده‌اند. اکنون آنها آنجا و در انتظار هستند.

کلیسای امت‌ها در لائودیکیه... در عصر لائودیکیه است. اگر یهودیان در سرزمین خویش هستند و ارتداد امت‌ها واقع شده، ما رئیس جمهوری مانند آنچه که شاهد هستیم را داریم، امتی از هم فروپاشیده مانند الان داریم، شاهد بمب‌های اتمی هستیم، کلیسایی را داریم که فاتر است، کلیسایی را داریم که قوم‌ها بایکدیگر در آن جمع شده‌اند و شاهد یک خدمت هستیم که مانند خدمت مسیح است، پس چه چیزی برای رخ دادن باقی مانده است؟ ممکن است در هر دقیقه‌ای اتفاق بیفتد. هیچ چیز دیگری باقی نمانده است. ما در زمان آخر هستیم. اوه، جلال بر خداوند! نمی‌دانم قادر هستم تا به آن یوبیل وارد شوم یا خیر. اما به هر حال می‌خواهم سهمی از آن را به شما برسانم.

۱۶۰- گوش کنید. شما... اکنون چند نفر را می‌توانید ببینید؟ می‌دانید کتاب مقدس کجا اثبات نمود که هفت هفته، چهل و نه سال بود؟ می‌دانید در کجا شصت و دو هفته ۴۳۴ سال بود؟ می‌دانید کجا شصت و نه سال... شصت و نه هفته... چه بود؟ هشتصد و... چهارصد و هشتاد و سه سال تا این زمان... می‌دانید که رئیس کجا منقطع شد؟ می‌دانید برای آن یهودیان چهل سال طول کشید تا به جایی برسند که خدا گفته بود؟

به اینجا نگاه کنید، جایی که عصر امت‌ها طی نموده است. جایی که گفتیم وقوع خواهد یافت. جایی که... نه اینکه ما گفته باشیم، کتاب مقدس گفته است و آنچه که کتاب مقدس می‌گوید، انجام خواهد داد. درست به انتهای این عصر آمده و آن یهودیان چهل سال است که در حال بازگشت بوده و در حال آماده شدن برای چیزی هستند که خدا دقیقاً در اینجا انجام داده است. آنها به آن صورت خارج شدند و به این صورت بازگشتند. اسرائیل به وطن خود بازگشته است.

۱۶۲- حال، خدا چه زمانی می‌خواهد آخرین هفته‌ی آنها را شروع کند؟ چه زمانی؟ شاید امروز باشد. شاید هم امشب و قبل از غروب آفتاب باشد. خدا این را اعلام خواهد نمود. نمی‌دانم چه زمانی است. اما می‌خواهم در ظرف چند دقیقه چیزی را بیان کنم. نمی‌دانم که شما آن را باور خواهید داشت یا نه. ولی من، ولی من به هر صورت باید این را بگویم. به این ایمان دارم.

ما در وطن هستیم. اسرائیل در وطن است. ما در پایان دوره هستیم و برای رپوده شدن آماده می‌شویم. رپوده شدن در راه است. کلیسا به بالا برده خواهد شد. بالا خواهیم رفت تا او را در هوا ملاقات کنیم. همه‌ی ما این را می‌دانیم. صخره‌ای که باید از کوه جدا می‌شد در هر لحظه‌ای آماده‌ی آمدن می‌شود و هنگامی که می‌آید چه کاری انجام می‌دهد؟ از عصر امت‌ها دور می‌شود. این دوره به پایان رسیده و خدا کاملاً ارتباط و کار با آنها را به اتمام می‌رساند. "هرکه خبیث است باز خبیث بماند، هرکه عادل است باز عدالت کند و هرکه مقدّس است، باز مقدّس بشود."^{۴۴} می‌بینید؟ سپس او چه می‌کند؟ کلیسای خود را برمی‌گیرد، پر شده از روح القدس.

خبثت چیست؟ این مربوط به باکره‌های نادان و کسانی است که از این طریق به داوری آورده می‌شوند، وقتی این بحث را ادامه می‌دهیم در یک نقشه و نمودار دیگر به آن می‌پردازیم، یعنی جایی که آنان به محضر تخت سفید داوری آورده می‌شوند تا توسط رستگاران داوری شوند. پولس به ما گفت که هیچ بحثی را در دادگاه مطرح نکنیم، زیرا این مقدّسین هستند که می‌بایست دنیا را داوری کنند. درست است و مطمئناً ما در زمان آخر هستیم.

۱۶۵- و در وسط این هفته... حال، هفتادمین هفته... اکنون، اگر هریک از این هفته‌ها دقیقاً هفت سال بوده و ما در حال حاضر شصت و نه هفته را پشت سر گذاشته‌ایم، پس

^{۴۴} مکاشفه ۲۲: ۱۲

دوره‌ی اَمّت‌ها را داشته‌ایم، و یک هفته‌ی دیگر برای یهودیان باقی مانده است. درست است؟ و آن دقیقاً هفت سال است. اگر این هفت سال بوده، آن هم هفت سال خواهد بود، زیرا او گفت: "هفتاد هفته برای قوم تو مقدر می‌باشد." پس می‌دانیم که هفت سال برای یهودیان باقی است. درست است؟ حالا به اینجا نگاه کنید. اگر سؤالی هست بگویید. می‌بینید؟

حال، در وسط هفته... می‌بینید؟ در وسط این هفته‌ی یهودی که سه سال و نیم می‌شود، ضد مسیح، رئیس، یک رئیس که باید بیاید... و یادتان باشد، او از روم بیرون می‌آید. رئیسی که باید بیاید. او چیست؟ یک پاپ، یک رئیس در بین قوم... فرعون‌ی خواهد برخاست که یوسف را نمی‌شناسد.

۱۶۷- حال، شما پروتستان‌ها می‌گویید: "خوب، همین است." ولی یک دقیقه صبر کنید. متوجه می‌شویم که پروتستان‌ها دارای یک تشکیلات هستند. یک کنفدراسیون کلیساها را می‌سازد، تمثال یک وحش، و با آن حرکت می‌کنند، و متوجه می‌شویم که یهودیان به این کنفدراسیون دعوت شده‌اند. بله آقا! آنها موافق هستند و کتاب مقدس گفته که چنین است.

و او با آنها عهد می‌بندد و در وسط هفتادمین هفته، او، ضد مسیح، عهد خود را با یهودیان می‌شکند. «قوم تو»، چرا؟ زمانی که در مکاشفه ۱۱ می‌خوانیم که: "... خواهم فرستاد..." این ۱۱ است و تا ۱۹ پیش می‌رویم: "که او دو نبی خویش را خواهد فرستاد، و آنها در آن زمان نبوت خواهند نمود. سپس آنها از آن دو نبی به خشم آمده و آنها را می‌کشند." درست است؟ و جنازه‌ی آنها باید در خیابانی که از نظر روحانی به سدوم و غموره مسمی است، جایی که خداوند ما مصلوب گشت گذاشته شود، در اورشلیم. درست است؟ و آنها سه شبانه روز آنجا خواهند بود، سپس روح حیات بر آنها آمده و آنها دوباره خواهند برخاست و به جلال خواهند رفت. در آن زمان یک دهم شهر فرو خواهد ریخت. درست

است؟ می‌بینید؟ این چیست؟ در میانه‌ی این آخرین هفته.

۱۶۹- زمانی که کلیسا به بالا می‌رود، آن وقت آن کنفدراسیون، باکره‌های نادان، متدیست، باپتیست، پرزبیتری، پنطیکاستی‌های فاتر، همه‌ی آنها با هم در یک کنفدراسیون بودند که اینک به رژیم بزرگ خود دست یافته‌اند... و هنگامی که این کار را بکنند، عهدی را استوار خواهند نمود که... حال، پاپ جدید می‌خواهد همه‌ی آنها را یک جا جمع کند. نمی‌توانید ببینید که همه‌ی اینها در حال رخ دادن است؟ برای صحبت در این مورد می‌رود تا همه‌ی آنها را جمع کند. این اولین بار برای صدها و صدها و صدها سال، هزار یا دوهزار سال تا بحال انجام شده است. ولی اکنون، او باید آنها را یک جا جمع کند تا یک کنفدراسیون را بسازد و در آنجا یهودیان آن را خواهند پذیرفت. او، جلال بر خدا! هلولیاه! ستایش بر خداوند که تا ابدالآباد زنده است. بفرمایید. حال، برادر! این آن قدر ساده است که... که یک کودک قادر به دیدن آن است. این کنفدراسیون، یهودیان، پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها را یک جا با هم جمع خواهد نمود و یادتان باشد....

۱۷۰- زمانی که این دو نبی بیایند، چه کاری می‌خواهند انجام دهند؟ این وحش، این رئیس که قوت تمام قوم مقدّس را پراکنده می‌سازد، او چه خواهد کرد؟ او بعد از سه سال و نیم عهد خود با ایشان را خواهد شکست و ایشان را دور خواهد کرد. حال، مردم فکر می‌کنند که این مربوط به کمونیسیم است. این فقط به این دلیل است، به این دلیل است که روح خدا هنوز در شما کار نکرده. این کمونیسیم نیست، یک مذهب است. کتاب مقدس می‌گوید: "چنان نزدیک خواهد بود که اگر ممکن بود برگزیدگان را هم می‌فریفت. " عیسی گفته است. می‌بینید؟ ما در آخر هستیم.

۱۷۱- حال این دو نبی، آنها چه خواهند کرد؟ اینها موسی و ایلیا هستند. آنها به روی صحنه خواهند آمد. آنها اشتباه یهودیان را به ایشان خواهند گفت، و از بین آن یهودیان

است که آن گروه ۱۴۴۰۰۰ نفری خارج می‌شود. خدا با این انبیاء آنها را دعوت خواهد کرد... این چیست؟ روح ایلیّا از این عصر امت‌ها خارج شده و درست در بین آن کلیسای یهودی به کار خود ادامه خواهد داد... هلولویه! این را می‌بینید؟ و او همین پیغام پنطیکاست را برای آنان موعظه خواهد نمود، آنهایی که ماشیح را رد نمودند. آمین! این را می‌دانید؟ این همان پیغام پنطیکاستی خواهد بود که این یهودیان در آنجا برای آنها موعظه خواهند نمود و آنها چنان از ایشان متنفر گشته که ایشان را خواهند کشت. و تمام امت‌ها از ایشان متنفر خواهند شد و در وسط هفته... زیرا آنها ۱۴۴۰۰۰ نفر را... آنها روح‌القدس را داشتند. و برادر! شما در مورد انجام معجزات صحبت می‌کنید، اما آنها آن را انجام دادند. آنها در ایام نبوت خویش آسمان را متوقف کردند و دیگر باران نبارید و بارها چنان که خواستند زمین را به بلایا مبتلا ساختند. آنها بلایا و هرچیز دیگری را خواهند آورد. آنها به آن رومیان طریق سختی برای رفتن می‌دهند، اما سرانجام کشته خواهند شد. خدای ما هنگامی که غضبناک است خدای مهیب است. ولی یادتان باشد، این امر در هفتادمین هفته است و کلیسا اینجا در جلال است. آمین! بزم نکاح در جریان است. بله.

حال توجه کنید. اینجا جایی است که او را، کلیسا را می‌بینیم که در پایان عصر یهودی به معبد هزاره بازگشته است. «داماد» سوار بر اسبی سفید وارد می‌شود؛ و آنها او را با اسب‌هایی سفید دنبال می‌کنند، اسب‌ها، قدرت‌ها، همه سفیدپوش، خون، یا جامه‌هایی آغشته به خون که بر آن نوشته شده است: «کلام خدا». او می‌آید، فاتح مطلق. بله آقا! برای برقراری سلطنت هزارساله، به معبد می‌آید. جلال بر خداوند! آنجا او آن ۱۴۴۰۰۰ نفر را ملاقات می‌کند.

۱۷۳- حال، بعد از آن هفتادمین هفته - هفتادمین هفته... این در خلال هفتادمین هفته رخ می‌دهد و در وسط آن، او عهد خود را می‌شکند، چون آن دو نبی پنطیکاستی را

می‌کشد، و پسر، آن کلیسا را لعنت کرده و آن را به آتش می‌سوزاند و، چراکه او... متوجه می‌شویم که حتی همقطاران او برای آخرین بار می‌گویند: «شهر بزرگ و جاودان روم، او در یک ساعت به پایان خود رسید» او نابود و تکه تکه شد. خدا می‌داند که چگونه کارها را انجام دهد، و یکی از فرشتگان نظاره کرده و گفت: «چراکه، خون تمام شهدای مسیح در او یافت شد.» بخاطر فریبکاری او، خارج شدن از اصل و ایجاد تشکیلات، و ایجاد همه نوع فریب و... و آلوده ساختن کلیسا، و به شهادت رساندن تمام کسانی که متحمل این جریان شده و می‌خواستند که قوم خدا را از این وضعیت خارج کنند. جلال بر خداوند! اوه، می‌بینید؟

۱۷۴- آیا از اینکه در نور خورشید گام برمی‌دارید و برای آن نور، شاد نیستید؟ برادران! ما کجا هستیم؟ در ساعت آخر. هر لحظه ممکن است اتفاق بیفتد و ما در اینجا هستیم.

پیغام به کلیسای آخر فرستاده شده. کلیسا، مسیح خود را رد نموده و یهودیان در ظرف مدت چهل سال به وطن خویش بازگشته‌اند. شهر جدید ساخته شده است. آنها به دنبال چه هستند؟ آمدن ماشیح. این در چه زمانی خواهد بود؟ نمی‌دانم. هنگامی که آن صخره با این تمثال برخورد کند، از بین خواهد رفت.

حال به اینجا توجه کنید. در وسط هفته، سه روز و نیم، سه سال و نیم، عهد را نقض خواهد کرد و سبب خواهد شد قربانی و هدایا که هم اکنون برقرار است را... زیرا آنها بازگشت نموده و خواهند گفت: "نگاه کنید. شما همه کلیسا هستید. شما می‌توانید در این تمثال و در وحش پذیرفته شوید. ما کمونیسم را از بین خواهیم برد. آن را محو خواهیم نمود." می‌بینید؟ و آنها قادر به این کار خواهند بود. می‌بینید؟ و این کار را خواهند کرد.

ولی حالا نگاه کنید. برگزاری پرستش روزانه، گذراندن قربانی، هنگامی که معبد

بازسازی شود از سر گرفته می‌شود، و این رئیس که باید بیاید، در اواسط هفته عهد خود را خواهد شکست و چنان که گفتیم با این قربانی رفتار خواهد نمود. آنها را پراکنده می‌کند و کاری که او می‌کند، تا انتها دوام خواهد داشت.

۱۷۸- و به گسترش پلیدی برای ایجاد خرابی دقت کنید. گسترش پلیدی... پلیدی چیست؟ رجاست. می‌بینید؟ برای ایجاد خرابی، آن چیست؟ موقوف کردن. گسترش این برای موقوف کردن آن. می‌بینید؟ گسترش دادن آن قدرت رومی برای غلبه بر باکره‌های نادان، یهودیان و همه‌ی... همه‌ی ما یا رومی خواهیم بود و یا هیچ نخواهیم بود. او در وسط هفته عهد خود را نقض خواهد کرد.

گسترش پلیدی... آیا در زمان عیسی و هنگامی که روم با آن تبلیغاتش تسلط یافتند این یک پلیدی بود، دوباره روم خواهد بود، دوباره پلیدی کلیسا خواهد بود... او چه خواهد کرد؟ او این کار را تا به انتها ادامه خواهد داد. این پایان است.

۱۸۰- حال، یهودی، کاتولیکی، پروتستانیسم، که همان باکره‌ی نادان است، باید خودشان را به شکل فدراسیون کلیساها یکی کنند، و این شبیه چیزی خواهد بود که عیسی در متی باب ۲۴ و مکاشفه ۱۳ : ۱۴ گفته است. مکاشفه ۱۳ : ۱۴ را باز کنیم و بینیم که... من زیر آن را علامت گذاشته‌ام... بسیار خوب.

"و ساکنان زمین را گمراه می‌کند، به آن معجزاتی که به وی داده شد... یکی کردن کلیساهای او ... آنها را... "در حضور وحش بنماید. و به ساکنان زمین می‌گوید که صورتی را از آن وحش که بعد از خوردن زخم شمشیر زیست نمود بسازند."

حال، فارغ از هر شک و تردیدی می‌دانیم که وحش چه بود، آن قدرتی که با داشتن آن زخم مهلک زنده ماند. این زمانی بود که روم بت پرست کشته شد و روم پایبندی جایگزین آن شد. زمانی که قدرت بت پرستی از میان برداشته شد و قدرت سیستم پایبندی آن را گرفت.

۱۸۲- حال، مکاشفه ۱۳: ۱۴، در متی ۲۴ عیسی آنها را از این آگاه نمود، تمثال وحش.

پولس در دوّم تسالونیکیان باب دوّم آیات ۳ و ۴... آن را باز کنیم و ببینیم در اینجا پولس چه می‌گوید. آن روح‌القدس در این نبی بزرگ خداوند، ببینیم او در مورد این ایّام آخر چه گفته است. این چیزی است که در دوّم تسالونیکیان باب دوّم است. بسیار خوب، حال آن را بخوانیم. خوب گوش کنید، چند نفر ایمان دارند که پولس پر از روح‌القدس بود؟ اینجا را ببینید.

"زنده‌ار کسی به هیچ وجه شما را نفریبید، زیرا که تا آن ارتداد، اول واقع نشود... " او تلاش می‌کند تا این را به آنها بفهماند، پس باید ابتدا یک سقوط از کلیسا باشد. می‌بینید؟ در دوران لائودیکیه. "و آن مرد شریر، یعنی فرزند هلاکت ظاهر نگردد آن روز نخواهد آمد." مرد شریر، بی‌ایمان به روح‌القدس، بی‌ایمانی، فرزند هلاکت...

"که او مخالفت می‌کند و خود را بلندتر می‌سازد از هر چه به خدا یا به معبود مسمی شود، بحدی که مثل خدا در هیكل خدا نشسته، خود را می‌نماید که خداست." برادر! خارج از وایتیکان و در جهان کسی هست که این کار را بکند؟ این در کجاست؟

۱۸۴- حال به مکاشفه باب ۱۳ مراجعه کنید و به شما نشان می‌دهد که این مرد در یک شهر است، شهری که بر هفت تپه قرار دارد و، به لاتین عدد وحش ۶۶۶ است و به الفبای رومی هم می‌شود ۶۶۶، که به معنی «جانشین پسر خدا»^{۴۵} است و بر تخت پاپ نوشته شده است. او یک، یک تاج سه تگه نیز دارد. من آن تاج را دیده‌ام، آن قدر نزدیک که مانند فاصله‌ی دستانم تا صورتم است. و خودم شخصاً، تاج پاپ را در وایتیکان از نزدیک دیده‌ام تا مطمئن شوم که می‌دانم در مورد چه چیزی صحبت می‌کنم. او مخالفت می‌کند و خود را بلندتر می‌سازد از هر چه به خدا یا معبود مسمی شود، تمام

مردان خدایی. او مقدّس‌ترین آنهاست، گناهان را می‌آمرزد و... شما حتماً این را می‌دانید.

۱۸۵- پولس گفت که آن ارتداد، اوّل باید واقع شود، که آن فرزند هلاکت آشکار گردد. آیا نمی‌دانید که هنگامی که هنوز نزد شما بودم، این را به شما می‌گفتم؟ او، دوست داشتم که اینجا بنشینم و موعظه‌های پولس را در این مورد بشنوم. شما دوست نداشتید؟ چقدر دوست دارم که به او گوش کنم. او، خداوند!

حال، او می‌خواهد چه کاری انجام دهد؟ تمثالی از وحش، دوّم تسالونکیان. حال گوش کنید. به دقّت گوش کنید، خیلی با دقّت. کلیسا آمدن یک پاپ را احساس می‌کرد. این چیست؟ پایان آن دوره‌ی کلیسا، دوره‌ی پولس. آنها دیده بودند که این اعمال نقولوویان در حال رشد کردن است، آنان می‌خواستند از یک مرد، قدّیس بسازند. برای چه؟ پاپ. اشراف زادگان و دنیا پرستان وارد کلیسا شده بودند و در حال تغییر روال پرستش بودند. پولس، پر از روح‌القدس، این را در روح دریافته بود. و کلیسا با آن روال کلاسیک و عالی‌رتبه‌ها، افراد عالی‌رتبه و این قبیل چیزها... آنها دیده بودند که چیزی در راه است و روح‌القدس داشت آنها را از ایام آخر آگاه می‌کرد. آیا یادتان نمی‌آید که عیسی چگونه از اعمال نقولوویان که سرانجام یک تعلیم شد و بعد از آن تبدیل شد به یک تشکیلات، صحبت می‌کرد؟ برادران! اکنون دیگر ما در تاریکی نیستیم، این را یادتان باشد. می‌بینید؟ ما اینجا هستیم.

۱۸۸- اعمال نقولوویان، تشکیلات شروع به شکل گرفتن می‌کند، عالی‌رتبه‌ها و... سپس به صورت کاتولیک شکل گرفتند. و پولس گفت که زمان آخری در پیش نخواهد بود، این زمان نخواهد بود تا هنگام ارتداد از ایمان راستین پنطیکاستی. ایمان پنطیکاستی کنار گذاشته و اشخاص برجسته و عالی‌رتبه وارد می‌شوند. آنها مردی را خواهند داشت که جای خدا را خواهد گرفت، در هیکل خدا نشسته و خود را بالاتر از هر کس قرار می‌دهد

و... می‌دانید این چیست؟ «نقو»، یعنی غالب شدن غیر روحانی. می‌بینید؟ هرآنچه به خدا مسمی است، او در... مثل خدا در هیکل خدا خواهد نشست. پولس گفت، در ایام آخر ابتدا یک ارتداد رخ خواهد داد و ما اینک دقیقاً در آنجا هستیم. آن ارتداد را می‌بینم و می‌بینم که کلیسا هر روز از کلام دورتر و دورتر می‌شود و به عقب بازمی‌گردد. ما در زمان آخر هستیم. بسیار خوب.

۱۸۹- حال اگر شصت و نه هفته تکمیل شده، یهودیان در سرزمین خویش هستند و دوره‌ی کلیسای کاتولیک مقارن با زمان آخر است، با زمان نقولویان، یا با زمان لائودیکیه، آمدن خداوند چقدر نزدیک است، پایان همه چیز، پایان این دوره و روبرو شدن چقدر نزدیک است؟ لحظه‌ای که او آن هفتادمین هفته و یا هفت سال را آغاز کند، کلیسا رفته است. دوستان قادر به درک این هستید؟ اگر می‌توانید دست خود را بلند کنید.

متوجه می‌شوید؟ بیاید کودک نباشیم، بیاید بیش از این سر به هوا و بازیگوش نباشیم. در زمان آخر هستیم. چیزی در حال رخ دادن است. ما در انتها هستیم.

۱۹۱- این شصت و نه هفته تکمیل شده است، رفتن یهودیان تکمیل گشته است و ادوار کلیسا تکمیل شده است. ما در زمان آخر هستیم، زمان آخر، دوره‌ی کلیسای لائودیکیه، انتهای آن. ستاره‌های پیغام‌آور همگی پیغام‌های خود را موعظه نموده‌اند. همه‌ی آنها خارج شده‌اند. ما در سرازیری هستیم. چهل سال است که یهودیان در حال بازگشت به وطن هستند و اکنون در وطن خویش هستند. اتفاق بعدی چیست؟ نمی‌دانم. ولی برادر! شخصاً می‌خواهم که حاضر باشم. می‌خواهم که لباس خویش را مهیا سازم.

حال ما فقط، ما فقط چند دقیقه وقت داریم و امیدوارم که دقایق را با دقت گوش کنید. لحظه‌ای که او هفتادمین هفته یا هفت سال را آغاز کند، کلیسا رفته است. حال گوش کنید، دوباره می‌گویم، دوباره می‌گویم تا فراموش نکنید. این چیزی است که وقتی در

حال نوشتن بودم روح القدس آن را در قلبم گذاشت. ما در عصر لائودیکیه هستیم. مسیح توسط کلیسای خویش مطرود گشته است. ستاره‌ی این دوره، پیغام، پیش رفته و اسرائیل در وطن خود می‌باشد. می‌دانید کجا هستیم؟ ما در انتها هستیم. حال تنها یک یا دو مطلب دیگر را باید بگوییم.

۱۹۳- تمام چیزهایی که اکنون می‌دانیم و می‌بینیم، به فیض او همان‌گونه که تلاش می‌کنیم، ما را در نظر کردن به این هفت مهر آخر یاری خواهد نمود. می‌دانید ما کجا آن را از دست دادیم؟ از مکاشفه ۶ : ۱ تا مکاشفه ۱۹ : ۲۱، ما باید آن را از دست می‌دادیم. می‌بینید؟ چون تلاش می‌کردیم که آن را به دوره‌ی اَمّت‌ها نسبت دهیم، درحالی که می‌بینید این در این دوره به پایان رسیده است. می‌بینید؟ حال، ما این را توسط کلام خدا، توسط تاریخ، توسط همه چیز، توسط علائم زمان‌ها و توسط ایّام ثابت نموده‌ایم که هیچ چیز دیگری باقی نیست. ما در انتهای اَمّت‌ها هستیم. در این مورد، می‌خواهیم در این مورد چه کاری انجام دهیم؟ این جان من و جان شماست، حیات من و حیات شما، این حیات عزیزان ماست. خیلی کند پیش رفته‌ایم، همه چیز را خیلی ساده انگاشته‌ایم، بهتر است حرکت کنیم. بیش از آنکه فکرش را بکنید دیر شده است. یادتان باشد.

۱۹۴- حال، یک مطلب قابل تأمل... اگر می‌خواهید این را یادداشت کنید. لطفاً خوب گوش کنید. بعد از این، آخرین مطلب خود را می‌گوییم. بعد از این چند نکته‌ی کوچک هست که می‌خواهم در مورد آن صحبت کنم. حال چند لحظه به دقت گوش کنید. چیزی به شما می‌دهم که در این مورد بسیار حائز اهمیت است. می‌بینید؟ بین پایان این دوره و آمدن مسیح به اندازه‌ی یک لبه‌ی تیغ هم فاصله نیست. همه چیز... هیچ چیز باقی نمانده است. آیا اسرائیل در وطن خویش است؟ این را می‌دانیم. آیا در دوران لائودیکیه هستیم؟ آیا هر پیغام‌آوری درست به همین صورت و به همین منوال در هر دوره نیامده

است؟ آیا اَمّت‌ها بر علیه اَمّت‌ها نیستند؟ بیماری‌ها و وباها چطور؟ آیا امروز قحطی بر زمین نیست، کلیسای راستین صدها مایل مسافت را برای شنیدن کلام حقیقی خدا طی نمی‌کند؟ چرا؟ چون ما اکنون در وسط این شرایط زندگی می‌کنیم. می‌بینید که ما کجا هستیم؟ ما در انتظار آن صخره هستیم.

۱۹۵- یک مطلب خیلی مهم، از زمانی که خدا وعده را به ابراهیم داد، این را از دست ندهید، از زمانی که خدا وعده را به ابراهیم داد، پیدایش ۱۲: ۳ تا زمانی که مسیح در سال ۳۳ بعد از میلاد توسط یهودیان مطرود گشت، براساس غلاطیان ۳: ۱۶ و ۱۷ و براساس تاریخ‌شناسی یهودیان، خدا ۱۹۵۴ سال در بین آنها کار کرد. متون بسیاری را در دست دارم، ولی فقط همین را مطرح می‌کنم. سپس وقتی آنها مسیح را رد نمودند او به سمت اَمّت‌ها بازگشت نمود، تا قومی را جهت نام خویش بیابد. استناد کتاب مقدسی آن را می‌خواهید؟ اعمال ۱۵: ۱۴.

۱۹۶- حال گوش کنید، با ادامه‌ی زمان متوجّه می‌شویم که دقیقاً هفده سال باقی مانده است، و ما همان دوره‌ی زمانی را از سال ۳۳ پس از میلاد تا سال ۱۹۷۷ در اختیار داشته‌ایم و خدا با قوّت روح القدس با ما کار کرده است. همان دوره‌ی زمانی، ۱۹۵۴ سال، خدا به همان صورت که با یهودیان کار کرد با ما کار می‌کند. می‌بینید؟

حال، این متنی را که می‌گویم در کتاب مقدس خود علامت بگذارید. لاویان باب ۲۸ از آیه ۸. خدا هر ۴۹ سال یک بار ندای یوبیل سر می‌دهد. یعنی پنجاهمین سال، سال یوبیل است. این را می‌دانیم. این را درک می‌کنیم. از اوّلین یوبیل در لاویان ۲۵: ۸ تا سال ۱۹۷۷ هفتادمین یوبیل خواهد بود، که دقیقاً می‌شود ۳۴۳۰ سال. یوبیل به معنی صعود نمودن یا آزاد شدن می‌باشد.

اوه، ما چشم انتظار آمدن
 آن روز خوش هزاره هستیم
 روزی که خداوند متبارک ما بیاید
 و عروس چشم انتظار خویش را برگردد
 اوه، جهان در ناله و فریاد است
 بخاطر آن روز شیرین آزادی
 هنگامی که منجی ما دوباره به جهان بیاید

۱۹۸- متوجه شدید؟ خدا دقیقاً به همان اندازه‌ای که از زمان دادن وعده به ابراهیم تا زمان رد نمودن مسیح توسط یهودیان در سال ۳۳ بعد از میلاد با یهودیان کار کرد، به همان مقدار هم در بین ما کار کرده است، یعنی ۱۹۵۴ سال، و اکنون ۱۷ سال دیگر برای رسیدن به این ۱۹۵۴ سال زمان برای ما باقی است. ما حدود ۱۹۳۰ سال را پشت سر گذاشته‌ایم و هفده سال باقی است تا سال ۷۷ که از اولین یوبیل، هفتادمین یوبیل است، و این چه خواهد بود؟ اوه، برادر! حال با دقت نگاه کنید. این را از دست ندهید. این یوبیل صعود عروس امت‌ها و بازگشت مسیح به سمت یهودیان است، هنگامی که در اسارت نباشند. آمین! نمی‌بینید؟ آنها برای آن روز از تمام دنیا جمع شده‌اند. اوه، خدای من! پس ما کجا هستیم؟ نمی‌دانیم که این در چه زمانی رخ خواهد داد. ما در زمان آخر هستیم.

۱۹۹- حال گوش کنید. شما قدیمی‌ترها! قدیمی‌ترهای کلیسا که مدت زیادی اینجا بوده‌اید! می‌خواهم به چیزی توجه کنید. من تا دیروز هرگز این را متوجه نشده بودم. این را از کتاب پُل بوید^{۴۶} تاریخ نگار گرفتم و آن را در کتاب مقدس دنبال کردم. این تاریخ‌های دیگر را برگرفتم و... و به این رسیدم.

حال، در ۱۹۳۳ هنگامی که در محل آن معبد قدیمی که امروز کلیسای مسیح در آنجا

قرار دارد، صبح یکی از روزهای آپریل قبل از ترک خانه، داشتم ماشین خود را به خداوند تقدیم می‌کردم... یک ماشین مدل ۳۳ داشتم و داشتم آن را برای خدمت به خداوند تقدیم می‌کردم. در یک رویا، زمان آخر را دیدم. حال، حال توجّه کنید که این چقدر با اهمّیت است. در آن زمان فقط یک پسر جوان بودم و می‌توانید تصوّر کنید که یک ماشین مدل ۱۹۳۳ چه چیزی بود، و من به آن معبد قدیمی رفتم جایی که... بعضی از شما قدیمی‌ترها این را بخاطر دارید. این در خانه و بر یک کاغذ قدیمی نوشته شده است و اینک چاپ شده و به سراسر دنیا رفته است. می‌بینید؟ این در سال ۱۹۳۳ بود و من پیشگویی نمودم که در آمریکا و در سال ۱۹۷۷ یا قبل از آن، یک اتّفاق تراژیک رخ خواهد داد. چند نفر از شما این را به خاطر دارید؟ به دست‌های بلند شده نگاه کنید.

۲۰۱- حال نگاه کنید. من هفت چیز را پیشگویی نمودم که می‌بایست قبل از تکامل عظیمی که باید در اینجا، در ایالات متّحده رخ دهد، انجام شود. چیزهایی بسیار مهیب، گفتم... حال یادتان باشد، این قبل از این بود که شروع شده باشد. گفتم ما به یک جنگ جهانی دوّم خواهیم رفت. چند نفر یادشان است که این را از من شنیده باشند؟ با یک آمین جواب بدهید. [جماعت می‌گویند: "آمین!"] بسیار خوب. جنگ جهانی دوّم. گفتم: "رئیس جمهور فعلی... این را دیروز از آن متن قدیمی کپی کردم." که رئیس جمهور فعلی... "چند نفر نام او را به یاد می‌آورند؟ فرانکلین. دی. روزولت. ^{۴۷} گفتم: "رئیس جمهور فعلی حتّی برای چهارمین بار هم ابقا خواهد شد، تا چهار دوره باقی خواهد بود و ما به جنگ جهانی دوّم فرو خواهیم افتاد." آن زمان اوّلین دوره‌ی او بود.

۲۰۲- گفتم: "دیکتاتوری که اکنون در ایتالیا در حال برخاستن است... " که موسولینی ^{۴۸} بود. "به قدرت رسیده، به اتیوپی خواهد رفت و اتیوپی تسلیم او خواهد شد." کسانی

اینجا نشسته‌اند که می‌دانند، آن زمان گروهی از مردم به سالن رمضان^{۴۹} که آن شب جلسه خود را در آنجا برگزار می‌کردم، آمدند و بخاطر گفتن چنین چیزی می‌خواستند من را از آنجا بیرون بیندازند. اینهاش... بله، خانم ویلسن،^{۵۰} شما را می‌شناسم... درست است. وقتی که آن را گفتم، می‌خواستند من را بیرون کنند. ولی آیا او این کار را نکرد؟ اما من گفتم: "او پایانی ننگ آور خواهد داشت." چنین شد و زنی را که با او فرار می‌کرد، در ملاء عام سروته آویزان کردند، پاهایش رو به بالا بود و لباس‌هایش رو به پایین آویزان بود. بسیار خوب، آن واقع شد.

و بعد گفتم: "زنان اجازهی رأی دادن یافته‌اند، که یک... که مطلقاً یک رسوایی و ننگ برای کشور است و یک روز آنها در انتخابات، فرد ناشیستی را انتخاب خواهند نمود." و در آخرین انتخابات این کار را کردند. خدای من! خدای من!

۲۰۴- چهار، گفتم: "علم در جهتی گام برخواهد داشت... نه، اینجا، این سوّمی بود. عذر می‌خواهم. این بعدی است.

چهارم، گفتم: "جنگ با آلمان خواهد بود و آنها برای خود یک مکان مستحکم ساخته و خود را در آن تقویت می‌کنند و آمریکایی‌ها ضربه‌ی مهلکی می‌خورند." خداوند قادر که اینک در حضور او ایستاده‌ام، می‌داند که دیدم آن نازی‌های خودمختار، آمریکایی‌ها را بر آن دیوار منهزم ساختند. پسران زیادی اینجا هستند که در آن زمان در خطوط زیگفرید^{۵۱} بودند و می‌دانند که این چه بود. یادتان باشد، این یازده سال قبل از این بود که خطوط زیگفرید ساخته شود. آیا خدا حقیقت است؟ آیا او همچنان وقایع را پیشگویی می‌کند؟ نگاه کنید، این چهارمین بود.

حالا مورد پنجم: "علم چنان پیشرفت خواهد کرد، که آنها ماشینی خواهند ساخت، که نیازی به هدایت توسط فرمان ندارد و ماشین‌ها شبیه تخم مرغ خواهند بود." زمان آخر. دیدم که خانواده‌های آمریکایی در بزرگراه‌ها با ماشین در حرکتند و پشتشان به جایی است که باید فرمان باشد و به نظر می‌رسید که در حال انجام بازی شطرنج هستند، و ما به آن رسیده‌ایم. این در تلویزیون است. برنامه‌های تلویزیونی «مکانیک‌ها» و «دانش محبوب»، همه آن را دارند. ما ماشین را بدست آورده‌ایم. این ماشین توسط کنترل از راه دور و با رادار کنترل می‌شود. فقط کافی است تا مختصات عددی را وارد کنید، درست مانند زمانی که با تلفن خود شماره می‌گیرید و ماشین شما را به مقصد خواهد برد. بدون کوچک‌ترین صدمه و آسیب و یا برخورد با ماشین‌های دیگر. نیروی مغناطیس این ماشین، شما را از سایر ماشین‌ها دور نگه می‌دارد. می‌بینید. آنها به این رسیده‌اند. به این فکر کنید. سی سال قبل از اینکه رخ دهد، پیشگویی شده بود.

۲۰۶- حال، می‌رسیم به انتخاب رئیس جمهور کِنِدی،^{۵۲} و این ماشین وارد صحنه می‌شود. پنج مورد از هفت مورد، دقیقاً اتفاق افتاده است.

من پیشگویی کردم و گفتم: "دیدم که زنی عظیم‌ایستاد، ظاهری بسیار زیبا، ملبس به لباس‌های اشرافی و بنفش رنگ... "همین جا یک پرانتز باز کنم، او یک حکمران بزرگ در ایالات متحده بود، شاید کلیسای کاتولیک، یک زن... نمی‌دانم که آیا این کلیسای کاتولیک است یا خیر. نمی‌توانم بگویم. نمی‌دانم. تنها چیزی که دیدم یک زن بود. فقط همین.

ولی این، اَمّتِ زن است. این اَمّت در نبوّت شماره‌ی سیزده است، او سیزده ضربه خورده بود، سیزده ستاره، او سیزده مستعمره را آغاز نموده بود. سیزده، سیزده، همه چیز سیزده، حتّی در کتاب مکاشفه هم در باب سیزده ظاهر می‌شود. او سیزده است و یک اَمّت زن.

۲۰۹- دادگاه‌های طلاق ما بیش از هر کشور دیگری احکام طلاق بی‌شماری را که به درخواست زنان بوده، صادر کرده است. اخلاقیات و طلاق در کشور ما در سطح پایین‌تری از فرانسه، ایتالیا و... است. جاهایی که فاحشه‌ها در خیابان‌ها هستند... آنها فاحشه هستند، اما اینجا زنان متأهل می‌خواهند که با چند مرد زندگی کنند و مردان متأهل می‌خواهند که با چند زن باشند. اگر چه چند همسری امری ناپسند و اشتباه است، ولی وضعیّت در کشورهایی که تعدد ازدواج رواج دارد، به مراتب بهتر است. این را می‌دانیم.

ولی برای نشان دادن اینکه چقدر منحرف شده‌ایم، یک بخش از یک روزنامه را اینجا دارم که نشان می‌دهد وقتی پسران آمریکایی ما برای جنگ به خارج از کشور اعزام شده بودند، به گمانم هفتاد درصد یا... چند لحظه صبر کنید، فکر کنم از هر چهار نفر سه نفرشان قبل از اینکه به کشور بازگردند، با طلاق همسرانشان مواجه شده بودند. این روزنامه با یک تیتربزرگ نوشته است: "چه بر سر اخلاقیات مردم آمریکا آمده است؟" این را یادتان می‌آید؟ به گمانم همه‌ی شما به یاد دارید. چه بر سر اخلاقیات زنان ما آمده است؟ آنها خارج از خانه‌ها با سایر مردان مشغول کارند... این یک، این یک امت زاناه است. او می‌خواهد چه داشته باشد؟ یک الهه.

۲۱۲- حال، سپس بعد از آن، برگشتم و ایالات متّحده را دیدم که در آتش می‌سوزد و سنگ‌ها و صخره‌ها متلاشی شده‌اند. مانند توده‌ای از آتش بود که همه جا را فرا گرفته بود و تا جایی که چشم کار می‌کرد و می‌توانستم ببینم، آتش بود و این کشور منهدم گشته بود. سپس رویا من را ترک کرد. پنج مورد از هفت مورد رخ داده است.

سپس من پیشگویی کردم که... هرگز نگفتم که خدا این را به من گفت، ولی آن روز صبح در کلیسا ایستاده بودم و گفتم: "این‌طور که پیش می‌رود..." به یک سمت دیوار رفتم، به سمت دیگر دیوار دویدم و گفتم: "پیشگویی می‌کنم که زمان رخ دادن..."

نمی‌دانم چرا دارم این را می‌گویم، اما... "پیشگویی می‌کنم که همه‌ی این اتفاقات مابین امروز یعنی سال ۱۹۳۳ تا سال ۱۹۷۷ رخ خواهد داد." این را نمی‌دانستم. خدا از قلب من خبر دارد. تا دیروز اصلاً متوجه این نبودم که سال ۱۹۷۷ سال یوییل است و دقیقاً مقدار زمانی که او با اسرائیل و همه چیز آن به آخر رسید. پس ما در... ما اینجا در پایان دوره هستیم، آمدن هفتادمین هفته. نمی‌دانیم کلیسا در چه زمانی روبرو خواهد شد. اوه، خدای من! دوستان! چه کاری می‌توانیم انجام دهیم؟ کجا هستیم؟

۲۱۴- می‌دانید الآن کجا هستیم؟ حالا هفتادمین هفته‌ی دانیال را درک می‌کنید؟ حال ببینید، وقتی ادامه می‌دهیم و به این مهرها و این امور وارد می‌شویم، این مهرها را باز می‌کنیم و می‌بینیم اولین که پیش می‌آید، سوار بر اسبی سفید است و کمانی در دست دارد. ببینید که او کیست. به اسبی که بعد از او می‌آید بنگرید. می‌بینید؟ ببینید او کیست و چگونه می‌آید. به ورود آن ۱۴۴۰۰۰ نفر نگاه کنید. به باکره‌های نادان بنگرید. سپس به این اموری که واقع می‌شوند، نظاره کنید؛ ریختن جام‌ها، بلایا، سه روح ناپاک وزغ مانند، نگاه کنید که این امور چطور در خور آن بلایا هستند و اینکه دقیقاً چه زمانی فرو ریخته شدند. هر بار که یک مهر باز شد، یک بلا نازل شده و یک خرابی ایجاد می‌شود و نگاه کنید که همین الآن و در انتها چه رخ می‌دهد.

۲۱۵- و به این دو نبی بنگرید، هنگامی که آنها در اینجا بلند می‌شوند و در وسط هفته منقطع می‌گردند و سپس نبرد آرماگدون آغاز می‌شود. سپس خود خداوند شروع به صحبت می‌کند. سپس او ایستاده و نبرد را آغاز می‌کند. انبیای جهان را ملزم می‌سازند. آنها نام عیسی را موعظه می‌کنند. آنان به همین ترتیب هم تعمید می‌دهند. آنها همان کاری را می‌کنند که پدران اولیه‌ی پنتیکاستی انجام می‌دادند و بسیاری آنها را متابعت می‌کنند. اما آنکه سازمان یافته است، آن تشکیلات، چنان به حرکت درآمدند که حتی قدرت آن دونبی هم، آن را از بین نبرد و سرانجام گفتند: "همه را یک تشکیلات

خواهیم ساخت." و او پلیدی را وارد می‌کند. این چیست؟ پلیدی، رومی‌گرایی. شرارتی که در همه چیز ویرانی به بار می‌آورد. پلیدی و شرارت.

۲۱۶- یادتان هست آن مادر فواحش را که بر وحش سوار بود، هفت سر و ده شاخ داشت و آن‌چنان به قرمز و ارغوانی ملبس بود، یادتان هست؟ او در دست خود جامی پر از نجاسات و خبثات زنا‌ی خود داشت، و آن تعلیمی بود که به قوم عرضه داشت. بفرمایید برادران! مادر زمان آخر هستیم.

فرزندان کوچک! ما هرگز نمی‌دانیم. شاید امشب زنده نباشیم که بازگردیم. شاید آن‌قدر زنده نباشیم که دوباره همدیگر را ببینیم. نمی‌دانم، ولی انتها بسیار نزدیک است. بسیار نزدیک است. کتاب مقدس اینجاست. اثبات کامل و دقیق آن اینجاست.

حال، اگر چیزی هست که متوجه نمی‌شوید، برای من یک یادداشت بنویسید و به من اطلاع دهید. می‌بینید؟ چیزی بگویید. شما خواهران و برادرانی که به این نوار گوش می‌کنید و در جاهای دیگری هستید! اگر کمکی از دست من ساخته است به من اطلاع دهید. شاید با من موافق نباشید، شاید من موافق تشکیلات شما نباشم، نه شما، بلکه سیستم تشکیلاتی شما. من مخالف مردم کاتولیک نیستم. نمی‌گویم که با مردم کاتولیک مخالفتی دارم، بلکه به قوم تشکیلاتی علاقه‌ای ندارم. تمام مردم را دوست دارم، ولی با سیستمی که شما را بدینسان نگاه داشته است، موافق نیستم. آن چیست؟ سیستم آن. همین است.

۲۱۹- من مخالف آلمان نبودم، بلکه مخالفت من با نازیسم بود. من مخالف ایتالیایی‌ها نبودم، بلکه مخالفت من با فاشیسم است. و یادتان هست که در آن زمان یک پیشگویی دیگر انجام دادم؟ بعضی از شما قدیمی‌ها این را به یاد دارید. گفتم: "سه نوع ایسم بوجود می‌آید." سعی می‌کنم که آن را با دنیای امروز تطبیق دهیم: "فاشیسم، نازیسم و

کمونیسم" و من چه گفته بودم؟ اینکه همه‌ی اینها منتهی به کمونیسم می‌شوند.

حال، به شما گفته بودم که این را تکرار کنید: "نگاهت به روسیه باشد..." یادتان می‌آید؟ "نگاهت به روسیه باشد. او منتهی به کمونیسم خواهد شد و نهایتاً همه‌ی آنها به کاتولیک‌یسم ختم می‌شوند." یادتان باشد، در زمان آخر همه‌ی آنها به کاتولیک‌یسم ختم خواهند شد. این کاملاً درست است. این در نبرد آرماگدون و درست در اینجا هنگامی است که خود مسیح می‌آید.

۲۲۱- ولی این سه نبی، این سه سال و نیم و مکاشفه ۱ : ۳ است که بارها آن را خوانده‌اید: "و به دو شاهد خود خواهم داد که پلاس در بر کرده، مدّت هزار و دوست و شصت روز نبوت نمایند." چند روز؟ هزار و دوست و شصت روز، سه سال و نیم. سپس آنها باید در شوارع عام کشته شوند، درست در وسط این هفتادمین هفته. پس می‌بینید که هفتاد هفته‌ی دانیال کجاست؟ می‌بینید که کجا زندگی می‌کنیم؟ دوستان عزیزم! ما در انتها هستیم. ما در انتها هستیم. ایام...

امّت‌ها از هم می‌پاشند

اسرائیل بیدار می‌شود

نشانه‌هایی که انبیا پیشگویی نمودند

(ما اینجاییم، اینجا)

ایام امّت‌ها به سرآمده است

با خوف به دست و پا افتاده‌اند

ای پراکنده‌گان به خود آید

(این را با هم بخوانیم.)

روز رستگاری نزدیک است
از روح پر باشید
چراغ‌هایتان اصلاح شده و پاک باشد
بالا را بنگرید، رستگاری شما نزدیک است

(اوه خداوندا! این عالی نیست؟)

امت‌ها از هم می‌پاشند
اسرائیل بیدار می‌شود
نشانه‌هایی که انبیا پیشگویی نمودند
ایام امت‌ها به سرآمده است
ای پراکندگان به خود آید

(حال همه با هم)

روز رستگاری نزدیک است
قلب انسان‌ها از ترس باز ایستاده است
از روح پر باشید
چراغ‌هایتان اصلاح شده و پاک باشد
بالا را بنگرید، رستگاریتان نزدیک است

(بگذارید برایتان چند بند را بخوانم)

انبیای کذبه دروغ می‌گویند
راستی خدا را انکار می‌کنند
آن عیسی مسیح خداوند ماست

(آنها او را شخصیتِ سوّم می‌سازند. این را می‌دانید. ولی چنین نیست او خداوند ماست.)

ولی ما اینجا گام برمی‌داریم، جایی که رسولان گام برداشتند
چون روز رستگاری نزدیک است
قلب انسان‌ها از وحشت بازایستاده است
از روح پر باشید
چراغ‌هایتان اصلاح شده و تمیز باشد
بالا را بنگرید، رستگاری شما نزدیک است

این عالی نیست؟ نبی چه گفته بود؟ ایامی خواهد آمد که چنان خواهد بود که...
نمی‌توانی شب و روز را بگویی. این چگونه بوده است. می‌بینید؟

نوری در شامگاه خواهد بود
راه جلال را حتماً خواهی یافت
امروز نور در آبراه است
در نام پربهای عیسی مسیح دفن شده است
پیر و جوان از گناهتان توبه کنید
روح‌القدس حتماً وارد خواهد شد
این روشنایی‌های شامگاه آمده‌اند
این حقیقت است که خدا و مسیح یک هستند

(همه با هم)

نوری در شامگاه خواهد بود
راه جلال را حتماً خواهی یافت
امروز نور در آبراه است

در نام عیسی مسیح دفن شده است
 پیر و جوان از گناهانتان توبه کنید
 روح القدس حتماً وارد می‌شود
 چون روشنایی شامگاه رسیده است
 این حقیقت است که خدا و مسیح یک هستند

(نه سه، بلکه یک)

۲۲۴- به پیغام بازگردید، به ابتدا بازگردید. به تعالیم پولس بازگردید. به تعمیدی بازگردید که او بدان تعمید یافت. او دیده بود که قوم به طریقی دیگر تعمید یافته‌اند، از آنها خواست تا بیایند و دوباره تعمید بگیرند. او گفت اگر فرشته‌ای از آسمان آمده و انجیلی دیگر را موعظه نمود، اناتیمما باد. پس این دوباره بازگشت به پیغام است. اکنون شامگاه است.

اوه، او را بسیار دوست دارم. شما چنین نیستید؟ اکنون چند نفر هفتاد هفته‌ی دانیال را می‌شناسند و می‌دانند که هفتادمین هفته چیست؟ هر چند نفر که به آن ایمان دارند، بگویند آمین. [جماعت می‌گویند: "آمین!"] آمین! ستایش بر خداوند!

۲۲۶- حال، مطلب بعدی چیست؟ هفت مهر. هر وقت خدا اجازه بدهد به این می‌پردازیم. اینکه چه زمانی خواهد بود را نمی‌دانم. فقط زمانی که او این را هدایت کند، به آن خواهیم پرداخت. آن وقت جلساتی طولانی خواهیم داشت، زیرا می‌خواهیم از باب ششم تا باب نوزدهم را در این رابطه بررسی کنیم و این طور که من کند پیش می‌روم...

حال، نمی‌خواهم هیچ کس با سوء تفاهم و یا درک غلط از موضوع اینجا را ترک کند. آیا هنوز نوار ضبط می‌شود؟ نمی‌خواهم کسی این را غلط برداشت کند. برداشت اشتباه نکنید و بگویید: "برادر برانهام گفت که عیسی در سال ۱۹۷۷ خواهد آمد." من هرگز

چنین چیزی را نگفتم. شاید امروز بیاید. ولی من پیشگویی نمودم که بین سال ۳۳ تا سال ۷۷ باید چیزی رخ بدهد، که این چیزهایی که من در رویا دیدم باید تحقق بیابد و اکنون پنج مورد از آنها واقع شده است.

۲۲۸- و به گمانم با چیزهای اتمی که ما اکنون داریم... شما دیدید که اخیراً رئیس جمهور ما چه گفت؟ خواستار یک جنگ دیگر بود. او گفت که می‌خواهد از برلین یک نمونه بسازد. می‌خواست که یک نمونه بسازد. کوبا در همسایگی ما چه می‌شود؟ چرا از آن یک نمونه بسازیم؟ آن یکی چه می‌شود؟ این چه مزخرفی است. می‌بینید؟

اوه برادران! ما درست در انتها هستیم. این به همان صورتی انجام می‌شود که خداوند گفته است. پس فایده‌ی اینکه کاری جز خواندن آنچه او گفت و مهیا شدن برای آن انجام دهیم، چیست؟ ما در انتظار آن هستیم.

ما چشم انتظار آمدن هستیم
آمدن آن روز خوش هزاره
روزی که خداوند متبارک ما بیاید
و عروس چشم انتظار خویش را ببرد
اوه، جهان بر فغان و زاری است
برای آن روز شیرین آزادی
روزی که منجی ما دوباره به جهان بیاید
اوه، خداوند ما دوباره به زمین می‌آید
اوه، شیطان هزار سال اسیر خواهد بود
آن وقت هیچ وسوسه کننده‌ای نخواهیم داشت
بعد از اینکه عیسی دوباره به جهان بیاید

چند نفر آماده هستند؟ دست خود را بلند کنید. اوه، خدای من! سرپا بایستیم و با یکدیگر دست بدهیم.

اوه، خداوند ما دوباره به زمین می‌آید
 اوه، شیطان هزار سال اسیر خواهد بود
 آن وقت هیچ وسوسه‌کننده‌ای نخواهیم داشت
 بعد از اینکه عیسی دوباره به جهان بازگردد
 اوه، خداوند ما دوباره به جهان بازمی‌گردد
 اوه، شیطان هزار سال اسیر خواهد بود
 آن وقت هیچ وسوسه‌کننده‌ای نخواهیم داشت
 بازگشت عیسی پاسخ خواهد بود
 به رنج‌ها و فریادهای ما
 خدا هر بیماری‌ای را دور خواهد کرد
 و اشک‌های رنج، خشک خواهد شد
 بعد از اینکه عیسی دوباره به جهان بازگردد
 اوه، خداوند ما دوباره به جهان بازمی‌گردد
 اوه، خداوند ما دوباره به جهان بازمی‌گردد
 اوه شیطان هزار سال اسیر خواهد بود
 آن وقت هیچ وسوسه‌کننده‌ای نخواهیم داشت

۲۳۰- اوه، خدای من! آیا شما احساس خوبی ندارید؟ ای دوستان! تفکر کنید، این پنطیکاست است. پرستش کنید. این پنطیکاست است. دست بزنیم و این را با هم بخوانیم. پنطیکاستی‌ها، همه‌ی افراد، خود را رها کنید، آن شکل و ظاهر متدیستی قدیمی را از خود دور کنید. حال بیاید این را با هم بخوانیم:

اوه، خداوند ما دوباره به جهان بازمی‌گردد
بله، خداوند ما دوباره به جهان بازمی‌گردد
شیطان هزار سال اسیر خواهد بود
آن وقت هیچ وسوسه‌کننده‌ای نخواهیم داشت
پس از اینکه عیسی به جهان باز آید
اوه، خداوند ما دوباره به جهان بازمی‌گردد
شیطان هزار سال اسیر خواهد بود
آن وقت هیچ وسوسه‌کننده‌ای نخواهیم داشت
پس از اینکه عیسی به جهان باز آید

(او را دوست دارید؟ حال دست‌های خود را به سوی او بلند کنیم.)

دوستش دارم، دوستش دارم
چون نخست او مرا دوست داشت
و نجات مرا بر صلیب جلجتا خرید
دوستش دارم، دوستش دارم
چون نخست او مرا دوست داشت
و نجات من را بر صلیب جلجتا خرید

او گفت: «هفتاد هفته برای قوم تو و شهر مقدّست مقدر می‌باشند...» سپس می‌بینیم که او یک نقشه شش مرحله‌ای داشت، که یکی از آنها پایان دادن به عصیان و پایان گناه، برای ایجاد آشتی و ایجاد عدالت بوده و مهر کردن و یا نبوت مسح نمودن قدس الاقداس.

حال آن شش مرحله و مرحله‌ی ششم آن «مسح قدس الاقداس»، می‌بینیم که همیشه قدس الاقداس نمایانگر کلیسا است، خیمه، و تنها چیزی که باید انجام می‌شد، مسح قدس الاقداس بود، این خیمه‌ی سلطنت هزار ساله است که او در خلال هزار سال در آن خواهد بود، و ما در آن زندگی خواهیم کرد.

William Marrion Branham

The 70th Week of Daniel

Jefersonville, Indiana

61-0806